

نماید باید شخصی که باو حواله شده منتهی در ظرف  
چهل و هشت ساعت آن برات را صریحاً قبول یا انکول  
نوشته مهر یا امضاء نماید توضیح کسیکه باو حواله  
شده باید برای قبول این جمله معین را بنویسد (من  
این برات یا فلان مقدارش را قبول دارم) و برای انکول  
این جمله را بنویسد (من این برات را انکول میکنم)  
در این ماده از قرار ذیل آقایان دکتر علی خان و ارباب  
کیخسرو هریک پیشنهادی کردند.

پیشنهاد دکتر علی خان - این بنده پیشنهاد میکنم  
از برای رؤیت برات این جمله افزوده شود (فلان  
تاریخ این برات را رؤیت کردم و امضاء کند) دکتر  
علیخان - پیشنهاد ارباب کیخسرو - این بنده بطور  
اصلاح پیشنهاد میکنم که در ماده ۵ عوض ۸ ساعت  
۷۲ ساعت که سه شبانه روز است نوشته شود ارباب  
کیخسرو (در قابل توجه بودن هریک از این دو پیشنهاد  
بقیام و وقوع ردی گرفته شد تصویب شد.)

رئیس - حالا رأی میگیریم در ماده ۵ راپورت  
کمسیون هر کس تصویب میکند قیام نماید (با اکثریت  
۴۵ رأی تصویب شد)

ماده ۶ قرائت شد - شخصی که باو حواله شده  
هر گاه برات را قبول نوشت بآداء وجه قبولی نوشته  
خود ملزم است و نباید قبول معلق بشرط باشد.

رئیس - رأی میگیریم هر کس این ماده را تصویب  
میکند قیام نماید (تصویب شد)

ماده ۷ - شخصی که باو حواله شده میتواند  
قسمتی از مبلغ حواله شده را قبولی بنویسد در این  
صورت بقیه وجه برات را دارنده پروتست مینماید.

دکتر علی خان اظهار نمود که بجای پروتست  
مینماید نوشته شود (میتواند پروتست نماید)  
اکثر تصویب کردند.

رئیس - رأی میگیریم بماده ۷ با جزئی  
اصلاحی که آقای دکتر علی خان پیشنهاد کردند هر کس  
تصویب مینماید قیام نماید (تصویب شد)

ماده هشت - هر گاه در ظرف ۸ ساعت مذکور  
در ماده ۵ شخصی که باو حواله شده قبولی ننوشت  
دارنده برات بعد از انقضاء مدت مزبوره حق دارد  
برات را با طاق تجارت برده مطالبه پروتست آنرا  
بنماید و اطاق تجارت تا ۲۴ ساعت از تاریخ این  
مطالبه برات را پروتست میکند.

(در این ماده ۸ مذاکرات زیاد شده بالاخره  
رجوع شد بکمسیون که با نظریات ثانوی پیشنهاد  
شود.)

ماده ۹ - پس از پروتست برات شخص ثالثی  
میتواند باعتبار برات کننده اولی یا یکی دیگر از  
حواله کنندگان تأدیه وجه حواله شده را بعهده گیرد  
در این صورت شخص مذکور باید قبولی خود را در  
پروتست نامه نوشته و امضاء نماید و آنکس را که  
باعتبار او قبول کرده معجلاً از اقدام خود مطلع  
گرداند و قبول این شخص حق رجوع دارنده برات  
را بحواله کنندگان اسقاط نمی کند.

[پس از مذاکرات یک جمله از این ماده را مجلس  
زیادی دانسته باین واسطه از قرار ذیل بدو قسمت  
تجزیه شده و با اکثریت تصویب شد.]

(قسمت اول) پس از پروتست برای شخص  
ثالثی میتواند باعتبار برات کننده اولی یا یکی از

حواله کنندگان تأدیه وجه حواله شده را بعهده گیرد  
در این صورت شخص مذکور باید قبولی خود را در  
پروتست نامه نوشته و امضاء نماید.

قسمت دوم - قبول این شخص حق رجوع دارنده  
برات را بحواله کننده اسقاط نمیکند.

ماده ۱۰ - در صورتیکه برات پروتست شود  
دارنده برات مختار است که وجه برات را موافق  
مدلول آن از برات کننده و همان محل مطالبه نماید  
یا رجوع بعمل صدور حواله نموده وجه برات را  
دریافت نماید مخارج و خسارت وارده از پروتست  
برات برعهده حواله کننده است مگر اینکه بموجب  
سند ضمان خود را شرط کرده باشد.

رئیس - هر کس این ماده را تصویب میکند  
قیام نماید (تصویب شد)

ماده ۱۱ قرائت شد بقیام و وقوع اخذ رأی  
شده [با اکثریت رد شد]

و چون ماده ۱۳ مربوط بآن دو ماده بود به  
تقاضای آقای آقا شیخ ابراهیم رجوع شد بکمسیون  
که تجدید ملاحظات کرده بمجلس عودت دهند.

ماده ۱۴ این قانون سه ماه بعد از تطبیق و انتشار  
آن در کلیه مملکت مجرعه ایران مجری خواهد شد  
لسان الحکما اظهار داشتند در صورتیکه سایر  
مواد تمامانگشته است چه طور میشود باین ماده رأی  
گرفت.

رئیس - منافاتی ندارد حال رأی گرفته میشود  
برای ماده ۱۴ بطوریکه خوانده شد هر کس  
تصویب میکند قیام نماید.

[اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد]  
رئیس - آقای وزیرزاده سئوالی داشتند از  
آقای وزیر عدلیه.

وزیرزاده - هر کس میداند که آسایش اهالی  
یک مملکت منوط بتنظیمات قوه قضائیه آن  
مملکت است و متأسفانه تا کنون ما آن قوه را  
نداشته ایم ولی انشاء الله تحصیلات علوم عالییه آقای  
وزیر عدلیه ما را ابیدوار بداشتن این قوه خواهد  
کرد حالا داخل سئوال میشوم و آن این است که  
بواسطه مداخله قوه اجرائیه در امور قضائیه مدعی  
العموم استعفا کرده است میخواستیم سئوال کنم که  
آیا این مطلب صحت دارد یا خیر.

وزیر عدلیه - در زمان بحران کابینه ترتیباتی  
بین مدعی العموم و حکومت تهران واقع شد که تفصیل  
آنرا اینجا نمیتوانم اظهار کنم ولی اجمالاً عرض  
میکم که نایب الحکومه طهران خبازی را توقیف  
کرده بود آن شخص مجبوس بیک عرض حالیه بمحکمه  
جزا داده بود مدعی العموم بوظیفه خود خواسته بود  
که رسیدگی در این کار نماید بنایب الحکومه نوشته  
بود که این شخص مقصر را بفرستید بمعدلیه اگر  
مقصر است رسیدگی شده مجازات او معین شود  
و اگر مقصر نیست که خلاص شود در حال حکومت  
طهران همراهی نکرده و نوشته بود که من شما را  
قانونی نمیدانم بواسطه این نوع مشاجره که  
در حقیقت خلاف قانون بود مدعی العموم به معاون  
وزیر عدلیه استعفای خودش را اظهار کرد و بعد از  
تشکیل کابینه چند روز است بین وزارت عدلیه

وزارت داخله در این خصوص مذاکرات بمیان  
آمده و البته باید تحقیقات کرده و اقدامات لازمه را  
نموده که ترضیه خاطر مدعی العموم بعمل بیاید و  
چون هنوز اقداماتی که در این خصوص از طرف  
وزارت عدلیه شده است بجائی منتهی نگردیده است  
نمیتوانم نتیجه را عرض کنم.

رئیس - آقای آقا میرزا اسمعیل نوبیری  
سئوالی داشتید از وزیر عدلیه

آقای میرزا اسمعیل - بنده میخواستیم ببینم  
که اینهمه انتشاراتی که بمحکمه اجرائیه عدلیه نسبت  
میدهند که میگویند از برای سپردن تومان باندرون  
مدیر السلطنه ریخته اند و کالسه هزار تومانی سیف -  
الملك را با ازاء چهار صد تومان برده اند و اسباب  
خانه آبادار باشی را حراج کرده اند آیا این انتشارات  
را که نسبت میدهند صحت دارد یا خیر در صورت صحت  
از طرف وزارت عدلیه در این باب چه اقدامی  
شده است.

وزیر عدلیه - اولاً اداره اجرائیه و محکمه  
اجرائیه محکمه کارش این است که رسیدگی کرده  
حکم میکنند وقتی که آن حکم بآداء اجرا آمد  
اداره اجرا مطابق نظامنامه که دارد بمحکوم علیه  
تبلیغ بنماید یک مدتی از برای اعتراض و یک مدتی  
از برای استئناف است در صورتیکه محکوم علیه  
در این مدت استئناف از حکم کرد حکم قطعی میشود  
و سابق براین یعنی سه چهار سال قبل از این بسا  
میشد که از برای اجرای یک امر هزار جور اشکالات  
بمیان میآمد بطوریکه اصل متنازع فیه از بین میرفت  
برای رفع این اشکالات قرار شد که در کار حقوق  
اجبار نباشد و محکوم علیه رابه محکمه حقوق اجبار  
در احضار نمایند و در سایر ممالک هم در کار حقوق  
اجباری نیست یعنی اگر احضار کنند نمیشود اودا  
مجبور کرد و بعد از آنی که چند دفعه حکم احضار  
شده و استئناف کرد مطابق قانون حکم فوری صادر  
میشود و این حکم را اعلان میکنند و آن حکم را بآداء  
اجرا میفرستند اداره اجرا مدلول حکم را بمحکوم علیه  
ابلاغ میکند و مدت اعتراض را با اطلاع میدهد چنانچه  
مدت اعتراض منقضی شد و حاضر نشد که بمحکوم غیابی  
تعرض نماید اداره اجرا انقضای مدت اعتراض و مدت  
استئناف را بمحکوم علیه ابلاغ مینماید پس زانقضای  
مدت استئناف آن حکم غیابی بدل بحکم قطعی  
میشود و اداره اجرا مکلف است آن حکم را اجرا  
نماید. اما در باب ریختن باندرون مدیر السلطنه این  
مسئله در زمان بحران کابینه واقع شده که وزیر نبوده  
است و خیلی اسباب تأسف وزارت عدلیه است و بنده  
تحقیق میکنم چنانچه حکم قطعی نبوده البته مرتکبین  
ماخوذ شده به مجازات سخت خواهند رسید در  
خصوص خانه آبادار باشی هم مسئله اشیاء منقوله  
بوده است نه اشیاء غیر منقوله

رئیس - موضوع دستور جلسه آتیه راپورت  
کمسیون فوائد عامه راجع بکارخانه صابون سازی  
طرح آقای صدیق حضرت در خصوص حراج بود چه  
مجلس راپورت کمسیون بود چه راجع بقویم السلطنه  
راپورت کمسیون بود چه راجع بغلامرضا خان.

محمد هاشم میرزا - راجع باستقراض

داخلی مدتها بود که مردم منتظر بودند مجلس ترتیبی برای آن معین نماید و حالا که راپورت آن داده شده است استماع میشود جزء دستور روز سه شنبه منظور شود.

**رئیس** - این جلسه در خصوص آن مذاکره میشود  
**منتصر السلطان** - راپورت کمیسیون فواید عامه راجع بجنوب را اگر صلاح است جزء دستور روز سه شنبه قرار دهند.

**رئیس** - اینها بیکه گفته شد مکرر در دستور منظور شده است.

**حاجی فاتح الملك** - تکلیف فرداراه معین بفرمائید که جلسه خصوصی تشکیل می شود یا خیر

**رئیس** - تشکیل می شود

**حاجی آقای شیرازی** - امروز يك اعلان در ایران نشو بود در خصوص قانون روزه که از مجلس گذشت باسم حاجی وکیل الرعایا جماعتی در این خصوص به بنده ایراد کردند که قانونی که از مجلس می گذرد باید از طرف وزیر اعلان شود اعلان کردن وکیل معنی ندارد واقعا ایراد صحیح بود بنده خواستم خواهش کنم از همه آقایان که در اینگونه اموری که دست دیگران می افتد مداخله نکنند اگر چه میدانم در مقام خیر خواهی و جهت صرف اطلاع بوده است ولی باید ملتفت باشند که مردم در صدد هستند و بر این قسم کارهای ایراد میکنند وکیل الرعایا در جواب آقای حاجی آقاشرح مبسوطی اظهار داشتند چون راجع بامور شخصی ایشان بود در بین نطق معری الیه آقای رئیس اظهار داشت در مجلس مذاکره شخصی نمیشود کرد و از مقام خودشان حرکت نمودند.

(مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۹۰**

**صورت مشروح روز سه شنبه ۲۹**

**شهر ربیع الثانی**

مجلس مقارن غروب در تحت ریاست آقای مستشار الدوله تشکیل شد.

**رئیس** - در میان عظمتها و حوادث واقعه دنیا پاره عظمتها هست که جلالت انسانی هر قدر باشد در مقابل آن متزلزل میشود چون بدبختانه هر قدر عریضی عرض کنم راجع بیک رفته ناگواری خواهد بود که آن مرک است لهذا خواهش میکنم از آقایان محترم که عریضی بنده را در حال قیام اصفا فرمایند (عموم حضار قیام نمودند).

**رئیس** - اعلیحضرت اعداورد هفتم پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان جهان فانی را در هفتم ماه (مه) بدرود گفته اند. ایسن وقعه اسف انگیز در همه روی زمین و ملل عالم موجب يك تأسف عمومی شده است. و در میان چنین مصیبتها نباید فقط رعایت این را کرد که يك سلطان عظیم الشانی از دنیا رفته است برای اینکه خیلی از تاجداران که صاحب جاه بلند بوده اند از دنیا رفته اند و خواهند آمد ولی اینکه اغلب مجبور می کنند که در موارد بعضی دون بعضی تاثرات بیشتر میشود این است که صفات و خصایل پسندیده این پادشاه را وقتی که میگذاریم بهلوی سلطنت می بینیم تأثیر آن

عالم گیر میشود. صفات و خصایل ستوده این پادشاه بقدری معلوم و مسلم است که بنده نمیخواهم در اینجا چیزی عرض کنم - برای اینکه اگر چیزی را در اینجا عرض کنم شاید از شدت نقصان آن اثری را که میخواهد بیخشد نه بخشد. همینقدر در اینجا عرض میکنم که این پادشاه فی جاه علاوه بر آن مقامات چنان مسلم و معروف بوده است و در مجامع عالییه اخلاقیه در ارتقاء انسان بمدارج عالییه شرافت و سعادت همیشه دخالت دارد ریاست کلیه داشته است این طلب معلوم است که در میان تمام ملت ایران و محافل عالییه دولت موجب چقدر تحسیر و تأسف گردیده است علاوه بر آن مناسبات مستعدنه و قدیمه که در میان دولت و ملت ایران و دولت و ملت انگلستان است اخیراً هم میدانیم و هرگز فراموش نخواهیم کرد که ملت نجیب انگلستان در تحت ریاست این پادشاه ذیجاء چقدر با اساس حریت ایران این پادشاه در حفظ صلح عمومی بقدری خدمت کرده اند که البته صفحه تاریخ آن خدمات را ضبط کرده است - پس در مقابل اهمیت و عظمت ایسن فقدان بزرگ که امروز باین ملت نجیب انگلیس رو کرده است که اثرات خودش را در تمام عالم بخشیده است ملت ایران هم از صمیم قلب اشتراک میکنند در اینصورت گمان میکنم مجلس مقدس هم باینده شرکت بکنند که تاثرات قلبی خودمان را بپارلمان انگلیس بنویسیم تا معلوم باشد که ملت ایران در این مصیبت و سوگواری وارده با ملت نجیب انگلیس شریک و سهیم است.

(عموم نمایندگان محترم تصدیق کردند).

(در اینموقع رئیس تشریف برده و آقای حاج

سید نصرالله بمقام ریاست جلوس نمودند).

**آقای معاضد الملك** - صورت جلسه روز شنبه (۲۶) را قرائت کردند.

**نایب رئیس** - در صورت مجلس اگر ملاحظه است بفرمائید.

(اظهاری نشد نایب رئیس صورت را امضاء کرد).

**میرزا مرتضی قلیخان** - تلگرافی است که از آقای افتخار الواعظین رسیده است قرائت می شود (قرائت نمود که بواسطه ناخوشی کسانم حرکت غیر ممکن عاجزانه استدعا میکنم که ده روز دیگر اجازه مرخصی داده شود والا مجبورم با تحمل زحمت خود تنها حرکت نمایم).

**نایب رئیس** - در این استماعی آقای افتخار الواعظین مخالفی هست؟ (گفتند خیر) راپورت کمیسیون فواید عامه راجع بتقاضای ربیع زاده امتیاز کارخانه صابون سازی و عطریات را از وزیر فواید عامه قرائت شد کمیسیون اساساً این امتیاز را تصویب و در بعضی مواد آن اصلاحات کرده و بعضی موارد را نوده بود. صورت اصل امتیازنامه نیز قرائت گردید.

**نایب رئیس** - عجلاندر کلیات صحبت میشود  
**میرزا اسدالله خان** - بنده عرض کردم که در موارد صنعت هائیکه در ایران معمول است و همه کس ممکن است با يك جزئی سرمایه اقدام نماید نمیدانم این چه اصراری است که ما داریم که انحصار بدهیم و رفته رفته میخواهیم حرکت انسانرا هم انحصار بدهیم بیک کمپانی که دوم را پیشنهاد زیر چوب و بگوید تو باید مطابق میل من حرکت بکنی والا

حرکت نکن بنده میگویم در تمام دنیا مادیده ایم که وقتی رقابتی در کار نباشد که آن مال التجاره را رواج بدهد و مواد بهتری در آن بکار برود هرگز آن مال التجاره را رواج پیدا می کند و اینکه ما انحصار این صنعت را باین شخص بدهیم که هر طور میلش باشد درست کرده ب مردم بدهد و مردم هم مجبور باشند که از او بخرند در صورتیکه معلوم نیست این شخص بجا چقدر خواهد داد و اگر هم بدهد يك قدر قلبیلی است که عبرت اردو بیست و پنجاه تومان خواهد بود آنهم بایک صورت جان گدازی که برای دوازده سال است که بمداز دوازده سال آنها بگویند اینکارخانه را ما افتتاح کرده ایم و از سرمایه خودمان است بنده که این موارد را قابل توجه نمیدانم و از مخبر محترم کمیسیون سؤال میکنم که نظریات کمیسیون را در اینباب بفرمایند که کمیسیون از اظهار این رأی چه مقصودی خواهد داشت و در قابل ضرری که از دست خودمان میخواهیم بملکت وارد بیاوریم هایدی دولت در اینکار چه خواهد بود در صورتیکه میدانیم آن قانونیکه آقای مؤتمن الملك در خصوص شرکت ها پیشنهاد کرده اند اگر از مجلس بگذرد سرمایه های خیلی بزرگ برای این مملکت حاصل خواهد شد و امروز ما می بینیم يك کمپانی بنام اینکه میخواهم يك خدمتی بملت بکرم ترفی يك صنعتی را میخواهد از بین ببرد.

**منتصر السلطان** - در خصوص انحصار ملت اینکه در کمیسیون رأی داده شده است که در چند نقطه معینی انحصار داده شود باین کمپانی برای این است که در این چند نقطه این کمپانی باید يك مبلغ پولی در اینکار بگذارد و فردا که يك مبلغی باندازه سی چهل هزار تومان بگذارد که اسباب و لوازم آن را تهیه کند و همین که اینکار را کرد و انحصار نداشت فردا هر تاجری هنوز این کمپانی کاری نکرد طوری صنعت را اقدام می کند و بسا میشود که سرمایه او هم از میان میرود و يك پولی داده يك مقداری آهن و لوازم خریده و آورد. است باین جهت کمپانی تقاضا کرد که هفت سال باو اجازه انحصار داده شود و بعد از سه سال بدولت حقوق بدهد کمیسیون اینرا رد کرد و گفت که درین چند نقطه ایران دایر شود و فقط در این چند نقطه انحصار باو داده شود و حقوق دولت را هم در سال اول بدهد.

**ناصر الاسلام** - بنده با آقای میرزا اسدالله خان موافقم و هیچ انحصار را تصویب نمی کنم برای اینکه باندازه که از این امتیاز بدولت فایده خواهد رسید بیشتر از آن ترفی تجارت ما سخته وارد خواهد کرد.

**ارباب کیخسرو** - اولاً لازم است عرض کنم که عده برای مذاکرات و رأی کافی است یا خیر.

**نایب رئیس** - برای مذاکره کافی است  
**ارباب کیخسرو** - و ثانیاً می خواستم از مخبر محترم سؤال کنم که این کمپانی نمونه برای کار خودشان ارائه داده اند یا خیر.

**نایب رئیس** - این مذاکره در کلیات این مطلب است خوب است از آن خارج شویم و به بینیم که این قابل توجه است و تصویب می شود یا خیر.

این وقت نایب رئیس چند نفر از نمایندگان را اجازه نطق داده گفتند بعد از يك مخالف )

**میرزا ابراهیم مخان** — بنده برای اینکه راجعاً مخالفین باز بشود عرض می کنم تمام نقطه نظر آقای آقامیرزا اسدالله خان که این انحصار را رد کرده اند مبني بر تولید يك رقابت صنعتی بود که در حقیقت از برای يك مملکتی که تازه می خواهد پا بدایره ترقی بگذارد لازم است و جمعی هم بر طبق اظهار ایشان فریادها می کردند ولی باید موضوع رقابت را اولاً پیدا کرده بعد از آن صحبت کرد در حقیقت نباید باین قرار داد انحصار گفت باید گفت اختصاص بلکه اگر ملاحظه فرمائید اختصاص هم نباید گفت باید گفت این شخص می تواند اطمینان داشته باشد که کسی در این مدت روی دست او نمی آید تا اینکه انتخابات و خیالات خودش را که در نظر دارد اظهار کند و امروز بنده تصور می کنم هیچ رقابتی در داخله ایران نیست و بهتر از رقابت تجارت خارجه باشد که در واقع امروز اعظم رقیب تجارت خارجه ما است و در مقابل اینکه دولت باید در همچو موقعی مساعدت کند باید نفی که بر میخیزد و يك اقدامی می کند تا بتواند رقابت پورزد دادن این اختصاص چندان اهمیت ندارد آقای ارباب مستخبر و سؤال کردند که چه امتحاناتی این شخص داده است این است که مبلغ کزافی داده و ماشین آلات خریده و اسباب تهیه کرده و مهندس اجیر کرده است این نمونه است که نشان داده و بسامی شود که اختصاصی باشند که مقصودش صابون سازی نیست بلکه برای این است که يك تجارت خارجه را بزمین بزنند و بنده گمان نمی کنم که این اختصاص هیچ ضرری به ما وارد نیارد و هیچ ضرری که بمناسبات تجارتی و حقوق تجارتی وارد نخواهد آورد و آن کسیکه میخواهد يك چنین اقدامی بکند و با جرئت قدم بزمین بگذارد و پول خرج می کند باید با او مساعدت بشود ما چه مساعدت خواهیم کرد دستی که نمیتوانیم بدهیم و از آن طرف هم نمیتوانیم بگزنیم وزیر فوائد عامه چیزی از او بگیرد یا اینکه اگر ضرر کرد جبران آنرا بنماید ولی این مساعدت را نمیتوانیم بکنیم و گمان می کنم که هیچ ضرری هم ندارد که بگوئیم پنج سال مدت اختصاص اینکار را بگوئیم که کسی نتواند رقابت کند در تاسیس این اساس که در این پنج سال امتحانات خود را و آنچه تجربیاتی که لازم است بکند و اگر در این مدت نکردی و از عهده تو بر نیامد این انحصار از تو برداشته خواهد شد و کسی هم مجبور نیست که عریض بنده را صدیق کند ولی اگر لازم میدانید از يك همچو شخصی که میخواهد سرمایه خود را فدای ترقی مملکت کند يك مساعدتی بشود.

**نایب رئیس** — اولاً آقایانی که نطق مفصل دارند تشریف بیاورند اینجا و اگر هم لازم میدانید آن لایحه چرم سازی هم خوانده شود ولی عده برای اخذ رای کافی نیست و کلای خراسان تشریف بردند تلگرافخانه و بعضی از آقایان هم کسالت دارند لازم میدانید داخل مذاکرات شویم (اظهاری نشد)

**وحیدالملک** — یکی از تاثیر تمدن عالییه و مقتضیات مملکت مشروطه رفع انحصارات تجارتی است ترقی ثروت و پیشرفت تجارت از آزادی و رقابت در تجارت است مقنن باید در این موقع این نکته مهم را از برای پیشرفت تجارت در مملکت خودش ملاحظه نماید و رقابت و آزادی تجارت را در نظر داشته باشد برعکس ما می بینیم اویج و امتیازات که به مجلس می آید بکلی از این نکته مهم که دوپست سیصد سال پیش از این تردیون مستحضر بوده اند بکلی صرف نظر می کنند و اینگونه اویج را به مجلس می آورند و رفته رفته انحصار احتکار میشود و عقیده بده ان است که یکی از چیزهایی که حفظالصحه ما بسته بآن است همان استعمال صابون است و هم صابون هم آقایان میدانند که درست کردنش اینقدر مشکل نیست و در هر کتاب شیمی ابتدائی چند فرمول از برای اینکار مینویسند منتهی بعضی چیزها مینویسند که بکار بردن آنها در صابون سبب میشود در يك صابون مختلف میشود یا اینکه چربیش زیاده تر میشود یا اینکه عطرش زیاده تر میشود و این يك کاری نیست که سرمایه زیادی لازم داشته باشد که محتاج بانحصار باشد و اگر فی الحقیقه باعث منفعت عمومی باشد میتواند دولت خودش در اینکار ها اقدام نماید و خودش درست بگیرد و همان طور که دولت فرانسه صنعت کبریت را درست دارد و این امر يك مالیه کلی باو عاید میشود همین طور ممکن است (این مونوپول را ما درست بگیریم نه اینکه بیاییم اینرا بدیگری بدهیم و مملکت خودمانرا دوچار يك بدبختی کنیم اما از برای تشویق تجارت از برای حفظ اینکه يك کسی کاشف يك کاری است بکف و این معین است که بموجب آن قوانین هر کس چیزی را کشف کرد میرود آنرا (رجسته) میکند ثبت میکند و کسی دیگر حق آن صنعت را ندارد و اینطور اگر يك شخصی بکنوع صابون فوق العاده اختراع کرد که کسی دیگر نمیداند میرود آنرا (رجسته) میکند ثبت میکند و کسی دیگر حق آن صنعت را ندارد و همین خودش اسباب تشویق میشود که شاید دیگری هم میرود بکفسم دیگری درست میکند و انحصار آن باو میرسد و يك شخصی ثالثی بکفسم دیگری درست میکند و باین واسطه هم از يك طرف دایره تجارت توسعه پیدا میکند و هم از طرف دیگر تجارت مملکت ترقی میکند و با اطلاعات شخصی خودم در باب صابون آنچه که بنده اطلاع دارم در همینجا صابون فرنگی خوب درست میکنند که هم عطرش زیاده تر است و هم اینکه از برای پوست دست بهتر است و همینکه چربیش بیشتر است و صابون های پاریس خیلی خشک است و قالبی سه عباسی هم می فروشد و صورتیکه از فرنگستان قالبی دو هزار خودم وارد میکردم و قتی که دیدم باین قیمت در اینجا بهتر میشود صابون بهتر که از همین صابون شهری خریدم و اینطور که شما میخواهید انحصار بدهید بیک کمپانی این نوع صنایع که در طهران است موقوف و آنوقت منفعت بکشته تجارتی را منحصر بیک نفر میکنید بخيال اینکه در آتیه يك آيا عاید شما میشود یا خیر.

**اسدالله میرزا** — بنده اولاً گمان می کردم بهتر این بود آقای وزیر فوائد عامه که آن مطلب راجع ایشان است تشریف می داشتند و حالا که مطرح

شده و داخل این مذاکره شده ایم بعضی از آقایان بسختی ایرادی کنند باین لایحه که بنده ناچار عرض کنم ما اینکه بعضی از آقایان می فرمایند انحصار بر خلاف ترتیب ثروتی است و در هیچ جا معمول نبوده است بنده عرض می کنم در ممالك ثروتی که یکی از آن جمله امریکاست هنوز انحصار در صنعت معمول است نمی گویم معایب ندارد معایب هم دارد ولیکن ممکن است بیک چیز رفع آنرا کرد مقصود کمیسیون از این تصویب فقط يك مسئله اساسی بود و آن این بود که سایر دول سعی می کنند در ترویج صنعت و ازدیاد رشته تجارت که آنچه از خارج بآنجا وارد می شود دو برابر آن از آنجا بخارج برود پس نقطه نظر کمیسیون این بوده است که صادرات و واردات مملکت لااقل مساوی بشود و اگر يك وزیر تجارت کار کن می داشتیم اول کاری که از وظایف او بود که می بایستی بکند این بود که طوری نمایند که آنچه از خارج در این مملکت وارد می شود دو برابر آن از اینجا بخارج برود و نظر کمیسیون در این مورد بر این بود که کاری بکنند از عایدات او کاسته نشود شما می گوئید و اکتدارید بر رقابت آنوقت هر کس می آید و اقدامی می کند و باین واسطه ارزان خواهد شد و در قیمت ترقی فوق العاده نخواهد کرد بنده هم همین را قبول دارم ولی این مسئله در مملکتی است که از احتیاج بخارج مستغنی باشد و آنقدر احتیاج به مال التجاره خارجه نداشته باشد و تمام تجارت بین خودشان باشد و آنهایی که سرمایه می گذارند بصدی سه و صدی دو قناعت نماید شاید شادان این مملکت چنانچه آقای میرزا ابراهیم مخان فرمودند يك رقیب بزرگی دارید که آن مال التجاره خارجه است و کسی که می آید این کار را بکند نظر مهم او این است که يك کاری بکند به مال التجاره خارجه شکست وارد بیاورند حالا ببینید همچو شخص چقدر باید صرفه جوئی بکند تا مال التجاره خارجه را بشکند و مال التجاره خودش را رواج بدهد پس از يك نقطه نظر عمده همین مسئله است که مال التجاره خارجه شما وقتی وارد شد و دید که در اینجا همین را می سازند و ارزانتر می دهند البته آن مال التجاره یا می شکند یا باطبیع تنزل خواهد کرد و حتی المقدور هر چه ممکن است طرفین رقابت میکنند و این که آقای وحیدالملک فرمودند که اینجا صابونهای خوب می سازند و من دانه سه عباسی می خرم و خیلی چرب و مطرب و خوب است و اگر این امتیاز را بدهند این طور صنایع از بین می رود بنده عرض میکنم اگر این را توجه نفرمائید در این امتیاز نامه مخصوصاً قید شده است که این مانع نخواهد بود با ساختن این صابونها ولی اینکه يك کارخانه دیگری بخواهد اینکارخانه بسازد ممنوع باشد برای اینکه این مبتکر بیچاره باید اولاً يك مقدار زیادی سرمایه خود را صرف کند از برای اینکه شاید در يك وقتی چیزی باو عاید شود و يك نفی هم بدولت برساند پس نقطه نظر کمیسیون فقط نه از این راه بود که بدولت پولی برسد بلکه مقصود او تساوی واردات و صادرات بود و ما می بینیم ممالك دیگر پول میدهند که مال التجاره مملکتشان گرایه حمل و نقلش مرتفع شده و از مملکت دیگری

بشود و مال التجاره اش ترویج شود و صادراتش بر واردات زیادتی داشته باشد آقای وحیدالملک و سایر آقایان میگویند که در خارجه ملاحظه است بلی آنطوریکه در مملکت فرانسه است خوب خوب است در اینجا معموا شود ولی خوب است یک قدری هم تشریف بیاورند اینجا و مقتضیات اینجا را ببینند که این مردم سهولت نمی آیند که صدی پنجاه بپرند در صورتیکه دیگری شاید صدی چهل و نه یا صدی چهل قناعت نماید و باین واسطه می بینم هرچه ازین اقدامات شده است نتیجه گرفته نشده است و می بینم که تجار شمام هیچ اقدامی نکرد اند که صادرات شما اگر زیادتر از واردات نباشد تساوی نداشته باشد و هرچه صادرات دارید تمام چیزهای طبیعی است که در کارخانه نمی سازند بنده تمنا میکنم هرچه ممکن است سعی کنید که یک روزی صادرات شما بر واردات زیادتی داشته باشد و تشویق کنید از اشخاصیکه بخواهند صادرات شما را زیاد کنند و آن تشویق هم شاید همین باشد که بگویند دیگری در داخله مملکت حق ندارد رقابت کند بعضی ها عقیده شان این است که دولت دستی بدهد ولی عقیده کمسیون این بود که بگوید تا چهار یا پنج سال شما که سرمایه خودتان را صرف میکنید نمیتوانید اطمینان داشته باشید و دیگری با شما در این مدت رقابت نخواهد کرد بلکه ایشانرا مستثنی کنید از این صابونهاییکه دانه پنجره را از ما بویا می گیرند ابتدا که کمپانی این امتیاز را تقاضا کرد گفت من صابون تمام مملکت را میدهم ولی هر کس در هر ولایت صابون سازی نماید کمسیون از رای اینکه دست سایرین هم بسته نباشد چند مکان محدود را معین کرده است که در اینجاها ساختن این قسم صابون منحصر باین کمپانی باشد و بنده شخصا عقیده ام این است که اینقدر از مساعدت خیلی خوب است که با اینگونه اشخاص بشود و بهیچ جا هم ضرر نمیخورد که مجلس در این باب تاملی باشد.

(بعضی گفتند عده برای مذاکره کافی نیست)  
**نایب رئیس** - چون عده کافی نیست خوبست بقیه مذاکره در کلیات این مطلب بماند برای جلسه آتی که در آن جلسه مذاکره شده و رای گرفته شود [اکثریت تصویب کردند]

**حاجی آقا** - ما هر وقت میآئیم در مجلس همینکه یکی نیم ساعت میگذرد بعضی ها قبل از اینکه موضوع مذاکرات جلسه آتی گفته شود یا اینکه بعضی گفتن دستور جلسه آتی از مجلس بیرون میروند من عرض نمیکنم این ترتیب یا را لمانی نیست و در عده رئیس یا نائبان رئیس است که مراقبت داشته باشند و نگذارند احدی از نمایندگان قبل از انقضای مجلس تشریف ببرند

**نایب رئیس** - جلسه آتی روز پنجشنبه چهار ساعت بغروب و دستور آن از این قرار است بقیه مذاکره در کلیات امتیاز کارخانه صابون سازی بودجه مجلس مقدس - طرح آقای صدیق حضرت راجع بجراج رایورت کمسیون بودجه راجع بقویم السلطنه ایضا رایورت بودجه راجع بفلامر ضاخان

**آقا شیخ اسمعیل هشتروندی** - بنده

می خواهم عرض کنم مسئله استقراض داخلی خیلی اهمیت دارد و مدتی است رایورت آن از کمسیون داده شده خوبست جز دستور جلسه آتی منظور شود  
**نایب رئیس** - فردا جلسه خصوصی در این مسئله مذاکره خواهد شد.

**اسدالله میرزا** - فردا موقع انعقاد کمسیون ها است دیگر جلسه خصوصی نمیشود

**نایب رئیس** - در این صورت میماند از برای جلسه آتی مجلس سه ربع از شب گذشته ختم شد.  
**جلسه ۹۱۴**

**صورت مشروح مجلس روز شنبه دویم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸**

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب برپاست آقای ممتاز الدوله نایب رئیس تشکیل شد صورت جلسه روز سه شنبه ۲۹ شهر ربیع الثانی را آقای معاضدالملک قرائت نمود.

**نایب رئیس** - اعتراضی در صورت مجلس است؟  
**مقیم السلطنه** - اعتراض بزرگ این است که چهار ساعت بغروب مانده اعلان میشود دو ساعت بغروب حاضر میشویم.

**نایب رئیس** - این اعتراض نیست آقایان در موقعیکه اعلان میشود باید خودرا مکلف بدانند که باید حاضر بشوند.

**ادیب التجار** - عرض من اینست که همانطوریکه که چند روز در آن اطاق اسامی غائبین در صورت مجلس نوشته میشد حالا هم خوب است بفرمائید بنویسند در روزنامهجات هم بفرمائید درج کنند که حاضر و غائب معلوم باشد (گفتند صحیح است).

**مؤتمن الملک** - بنده عرض میکنم خوبست در این خصوص یک قراری بگذاریم اینکه هر وقت یک مذاکره در این باب بشود بگوئیم خیلی خوبست نمیشود اکتفا گردد.

**نایب رئیس** - در چه مسئله.  
**مؤتمن الملک** - همین مسئله حاضر و غائب باید یک ترتیبی برای آن داده شود که هر روزه در محظورات نباشیم.

**نایب رئیس** - این مسئله سابقه دارد خاطر آقایان مسبق است که در سابق صحبت شد و چند روز هم در صورت مجلس اسامی حاضرین و غائبین نوشته میشد بعد بعضی از آقایان اظهار داشتند که همچو چیزی در نظامنامه داخلی مجلس نیست حالا باز اگر صلاح است که نوشته شود ولی طوری نباشد که ثانیاً آقایان اظهار فرمایند که مخالف نظامنامه داخلی است.

**مؤتمن الملک** - صحیح است ولی باید رعایت نظامنامه داخلی هم بشود که در موقعیکه اعلام میشود حاضر باشند.

**نایب رئیس** - حالا ممکن است اگر لازم می دانید پیشنهادی بشود در صورتیکه تصویب نمائید یک ماده بر نظامنامه داخلی در این باب افزوده شود که تکلیف من بعد معین باشد.

**مقیم السلطنه** - چه ضرر دارد بنویسند و داخل مذاکره آن بشویم.

**نایب رئیس** - حالا نمیشود در این مطلب

بدون ترتیب داخل مذاکره شد اگر پیشنهادی بشود می رود بکمسیون و رایورت آن بمجلس آمد، مطرح مذاکره میشود.

رایورت کمسیون استقراضی است خوانده می شود.

(رایورت کمسیون استقراضی را آقای میرزا مرتضی قلیخان قرائت نمود.)

**نایب رئیس** - در کلیات این ابتداء مذاکره می شود.

**ارباب کیخسرو** - چون در این جا نوشته شده است که کمسیون گرفتن اعانه را صلاح ندانست عقیده بنده هم همین است ولی عرض میکنم تقریباً بازده فقره وجه به اسم اعانه با داره مباشرت رسیده است از قراریکه بنده اطلاع دارم مبالغی هم از گوشه و کنار حاضر است و نمی دانند بکجا بدهند خوب است کمسیون مخصوص را ای اینکار معین نمائید که مرکز باشد و وجوه مفرقه نیز در آنجا جمع شود تا تکلیف کلی معین شود و این وجهی که با داره مباشرت رسیده است علی العجله بدهده گذارده نمی شود و عقیده بنده این است که خوب بود وزارت مالیه درین موقع تشریف میداشتند که با حضور ایشان این مطلب مطرح میشد بعضی مطالب که بنظر ایشان می رسید اظهار میداشتند.

**نایب رئیس** - وزیر مالیه الان تشریف خواهند آورد.

**شیبانی** - بنده اساساً این استقراض را تصویب می نمایم و چنانچه خانه خود را حاضرم بفروشم و وجه آنرا بدهم و اطلاع دارم که جمع کثیری با کمال میل و شوق حاضرند حتی زنها حاضر شده اند که زینت های خود را فروخته بدهند ولی بدو برای اینکه ب مردم حالی کرده باشیم که این وجه برای رفع احتیاج شما گرفته می شود و موجبات اطمینانی برای آنها فراهم کنیم چون مسئله شرکت عمومی و بانک ملی اذهان مردم را مغشوش کرده است خوبست اولاً از هیئت وزراء بخواهیم که امر آنها را تصفیه کرده و اعلان کنند بعد هر کس بانهایت شوق و طیب خاطر حاضر خواهد بود که آنچه برای او ممکن است در کمال اطمینان بدهد و اینرا نه این است که فقط از خانواده خودم بگیرم بلکه از ولایات چه کتی وجه تلگرافی خبر دارم که بعد از تصفیه این کاری که عرض کردم مردم با کمال شوق حاضرند.

**نایب رئیس** - خوبست اولاً در اساس این رایورت صحبت شود که می توانم رای بگیرم

**محمد هاشم میرزا** - بنده راجع با اعانه عرض داشتم می خواستم عرض کنم آنکه کمسیون اعانه را تصویب نکرده است مقصود باید این باشد که اعانه گرفته شود والا اگر کسی خودش بخواهد اعانه بدهد کمسیون آن را رای نداده است که نگیرند.

**حاجی شیخعلی** - شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند که اگر خودشان بخواهند اعانه بدهند قبول خواهیم کرد بنده عرض می کنم که باید قبول کرد مثل اینکه در ولایات جمعی حاضر شدند

واعانه جمع کردند از قبیل زنجان و سایر جاها بمجلس اطلاع دادند بعد که جواب داده شد اعانه گرفته نمیشود آنرا پس دادند.

**اسدالله میرزا** - بنده گمان میکردم در کلیات این مطلب هم مذاکره نخواهد شد و تمام تصویب خواهند کرد این ترتیبی را که کمیسیون اتخاذ کرده است بیک ترتیبی است که تمام جراید آنرا تصدیق کرده اند و تقریباً مطابق افکار عامه است و عموماً تصدیق میکنند که بهتر از این ترتیبی نیست و دو فقره از مذاکراتی که در آنجا شد راجع باسناد استعراض نبود ولی آقای ارباب در خصوص اعانه چیزی اظهار کرده اند لازم شد پاره توضیحات را عرض کنم - مسئله اعانه را همانطوریکه تصویب کرده است بنده خیلی صحیح میدانم و بعقیده شخص خودم هم صحیح میدانم برای یک دولتی که دارای همه جور اعتبار است و دارای همه جور ثروت طبیعی است ابتدا صلاح نیست اسمی از اعانه ببرد بطوریکه کمیسیون تصویب کرده است آنچه که دولت میگیرد با اجل باید پس بدهد مثل ترتیب تجارتی و اینکه گفته شد اگر خودشان بخواهند اعانه بدهند پس میفهمیم یا نه بلی کسی را نمیشود مجبور کرد که اعانه بدهد ولی اگر خودش میل کرد بدهد عقیده بنده این است که آنرا مثل سایرین داخل سهام استعراض کنیم و مثل سایرین برای آنها سهام بفرستیم برای اینکه هیچ دایلی ندارد که ما پول یکی را اصلاً و فرعاً بدهیم و پول دیگری را مجاناً قبول کنیم و با وجیزی رد نکنیم یکی از آقایان در ضمن بیانات خودشان اشاره باین کردند که شرکت عمومی بانک ملی اذهان را مغشوش و مشوب کرده است این مسئله ابداً ربطی باین استعراض الیه ندارد در این مسئله استعراض خیلی دقت شده است که همه جور اسباب اطمینان مردم فراهم بیاید اولاً یک مجلس ۷۰ نفری که عجلاناً نیست و اگر انشاء الله بشود یک مجلس ۱۲۰ نفری نظارت خواهد داشت و یک هیئتی مرکب از (۷) یا (۸) نفر متخصص در مالیه را هم ممکن است انتخاب نمایند که برای این کار مراقبت داشته باشند و ممکن است آن منتخبین از وکلا باشند یا خیر ایشان از کسانی که محل اعتماد باشند یا اینکه از اروپا یکی را که بصیرت و اطلاع کامل داشته باشند آورده برای اینکار بگمارند که ترتیب صحیحی بر سهام اصلاً و فرعاً داده شود همه جور دفتها و ملاحظات در کمیسیون شده است که اینکار از روی ترتیب صحیحی اداره شود و آن خرابیهائی که در سابقاً شده بود این دفعه تجدید نشود.

اسباب انزجار عامه شود امیدوارم از توجهات اولیای دولت و ملت که این کار بخوبی اداره شده مثل سابق نشود یک چیزی که محل اعتراض آقایان باشد نه بود توضیح آنرا لازم باشد عرض کنم.

**وکیل الرعایا** - استعراض داخلی را ما بر حسب تکلیفی که خود ملت به فرمودند ما همراضی شدیم و گمان نمیکند که کسی در اینجا مخالف باشد ولی یک چیزی گفته شد که بنده با وجود اینکه باشا زاده اسدالله میرزا مخالف نیستم لازم دانستم توضیح بدهم که در اینجا

مشرف شدم گفته شد شرکت عمومی و بانک ملی این ها خیلی باهم فرق دارد هیچ کس حق ندارد که نسبت این دو را بهم بدهد آن مسئله شرکت بوده اینجا مسئله استعراض است شرکت نیست و در شرکت عمومی دولت همه جور مساعدت را کرد با ملتش حالا آنها چه طور به ربانی کردند باشد بجای خودش تا این که در وقتش عرض کنم اما مسئله بانک ملی بنده عرض می کنم آن کسانی که بیا یک ملی پول دادند حق دارند که بخواهای خودشان را در ظرف یک هفته بیایند باصدا ۱۲ از من بگیرند و یک اشتباه بزرگی در این جاشده است که لازم است تفصیل آن را عرض کنم و همه خاطر ها را متوجه کنم بانک ملی در وقتی که میخواست تشکیل شود فراشد وجهی که میدهند در تجارتخانه طومانیاس و ارباب جمشید و حاجی محمد اسمعیل بدهند و یک مبلغی هم آوردند و دادند و بعد از یک مدتی که معلوم شد آن امتیازی که بیا یک داده شد بکارش نمیخورد و فراشد یک تجدید نظری بشود گفتند که صاحبان سهام بیایند حق خود را بگیرند و تمام اشخاص رفتند پول خود را باصدا ۱۲ و ۱۳ گرفتند و بعضی فقط اصل پول را گرفتند و تنزیل قبول نکردند و بعضی اشخاص خیلی ملاحظه داشتند رفتند بگیرند و یک وجهی نزد طومانیاس و ارباب جمشید و حاجی محمد اسمعیل ماند که صاحبان آنها هم معلوم است ولی طومانیاس و حاجی محمد اسمعیل دخالت نکردند فقط حاجی امین الضرب و ارباب جمشید گرفتند و به بنده گفتند که اعلان کنید هر کس پولش باقی است بیا بگیری و آنچه پیش حاجی محمد اسمعیل است ۱۴ تومان است و آنچه پیش ارباب است چهارصد و خورده است بعد که محمد علی میرزا از صاحبانیه آمد و گفت من امروز برای پول معظم و یک چیزی بیا بدهید ما هم اجابت کردیم و مخالفتی نمیکردیم در این چیزها برای اینکه البته این هم برای مخارج مملکتی بود و خوش بختانه آن کسانی که در آن مورد پول دادند یکی ظل السلطان بود (۷۰۰۰) تومان داد و بنده پولش را دادم و سندش را پس گرفتم و یکی دوتای دیگر که پول آنها را دادند و سندشان را پس گرفتند یکی شیخ خزعل خان بود که (۱۲) هزار تومان داده بود که کسر مالیات گذاشت و گذشت و آن اشخاصیکه بغیال خودشان پول داده بودند گفتند حالا که میخواهید پول ما را بدهید ما میرویم قبض بیاوریم شما از روی آن پول ما را بدهید مجلس هم چون مقصودی نداشت قرار گذاشت که از صد تومان کمتر را بگیرند و از آن قبیل (۱۰۰۰) تومان مال مرحوم حاج آصف الدوله بود که پس دادم بعد مجلس مرا مأمور کرد که بروم آنها را که نباید قبول کرد رد کنم بنده وقتیکه رفتم و رسیدگی کردم آنچه که باید قبول کرد خیلی کم است و تقریباً دیدم باید تمام را پسداد بعد محمد علی میرزا بجای اینکه همراهی کند باین مطابق میل او نبود یا اینکه بشعریک خودشان بود من میدانم همینقدر میدانم که ما شب رفتیم در خانه خود خوابیدیم بامید اینکه فردا بیایم خدمت کنیم صبح که آمدیم جای ما کلوله توپ است و ما منصفه و قی که اسناد توی آن بود و مال من بود آنرا روی توپ گذارده اند و این آقای رئیس که اینجا نشسته است شاهد است که روی توپ گذارده اند و بردند دیگر بانک ملی چه

تقصیری دارد عریض بنده بیشتر از اینها است ولی برای اینکه تصدیق نداده باشیم به بنده اکتفا میکنم و عرض میکنم این استعراض دولتی است و آنها بیکه واقفاً معنی اسلام و اینکه تا اندازه وطن فداکاری لازم دارد میدانند در اینکار اقدامات فعلی لازم است و قولی و در باب شرکت و بانک هم که قصوری نه بوده است و تسامین هم بیش از این نمیشود که دولت داده است و آن اشخاصیکه خود را وطن پرست و اسلام دوست میدانند این جا موقع امتحان است که فداکاری خود را ظاهر کنند حالا اگر خدای نخواسته قصوری کرده اند خود بدانند.

**فایب رئیس** - این اظهاراتی که آقای وکیل الرعایا کردند اگر چه داخل موضوع نبود از موضوع هم خارج بود ولی برای اینکه اذهان از ترتیب بانک ملی مسبوق باشد خیلی مفید بود حالا خواهش می کنم از آقایان که ملاحظه موافق و مخالف را بنمایند و از موضوع خارج نشوند.

**وکیل التجار** - در اساس این استعراض جای گفتگو نیست ولی بعضی مقدمات اینجا است که در هر استعراضی لازم است مراعات بشود و آن این است که اولاً باید بدانیم چه مقدار وجه لازم داریم یا اینکه ببینیم چه قدر محل تأدیه داریم که بتوانیم در مدت معین آنرا مستهلک نمائیم البته محل شاید خیلی زیاد باشد ما باید بدانیم که اولاً چه قدر پول لازم داریم و ثانیاً بودجه مملکت ما چه قدر است و حساب آن در دست ما باشد و بدانیم که این وجه در کدام مصرف باید خرج شود و آن مصارف چه قدر است و چه میزان است و چه خطوط است مثلاً راجع بنظام چه قدر لازم است و چه قدر در مقابل آن پول داریم و همین طور در سایر وزارتخانه ها چه قدر محل داریم و چه قدر پول داریم و کسر آن چه قدر است اینها چیزهایی است که مقدمتاً باید آنها را بدانیم ولی اساس این استعراض خیلی خوب است لیکن بطوریکه بنده دیده ام و شنیده ام در هر جا که بخواهند استعراض کنند اول وجه استعراضی را معین میکنند که چه قدر باشد بعد مصرف آنرا معین میکنند که چه قدر آن از برای چه مصرفی خرج خواهد شد آنوقت اگر اضافه داشتند نگه میدارند که در مصارف لازم خرج نمایند در اینجا هم رعایت این مقدمات لازم است این عقیده بنده است که لازم میدانم و نیز لازم میدانم که وزیر مالیه تشریف بیاورند و در اینجا حاضر باشند که بعضی اطلاعات خودشان را که دارند بگویند و توضیحاتی که لازم است بدهند چون از چیزهایی که داریم که در این مورد دانستن آنها لازم است که در آن موارد کسر نداریم مثل اینکه از برای نظام داریم آن مبلغی را که برای ترتیب سی هزار قشون منظم کفایت کند و همین قسم سایر جاها و باید بدانیم در آن مواردیکه میگویند کسر داریم تا اینکه آنرا معین کنیم و همچنین از برای سایر وزارتخانه ها این عقیده شخصی بنده بود و آن چیزیکه لازم دانستم عرض کردم حال سایر آقایان هر چه به نظرشان میرسد لابد خواهند فرمود.

**اسدالله میرزا** - بنده منتظر بودم که آقای

و بیلالتجار از همه آقایان بیشتر تمجید کنند که مورد قرض خودمان را با اندازه محلی که داریم تصویب کنیم برای اینکه بیشتر از سایر آقایان از ترتیب مسوق اند عرض میکنم گویا از خاطر ایشان رفته است که چه باعث شد که یک چنین چیزی را پیشنهاد کردند کابینه وزرای دولت جدید یک پروگرامی آوردند و گفتند که یک مبلغی پول لازم است و مجلس هم برای اینکه آن پروگرام را تصویب کرده بود و از برای بعضی مخارج لازمه و اصلاحات فوری تصویب کرد که بشرايط صحیحه که بنظر مجلس میرسد در خارجه استقراض کنند این مسئله معلوم شد چنانچه درجرائد خواندیم و شنیدیم شرايط جانگدازی بود که هر ملتی که خواهان استقلال و قی مملکت خود بهد ممکن نبود آن شرايط را بپذیرد و این استقراض را بنماید این بود که ملت آن شرايط را شنیدند و اظهارات کردند که خودمان حاضریم که این وجه را بدهیم و بعد از این اظهارات و فشار هائیکه دادند و بعد از اینکه قبل از وقت بعضی جاها و جوهات جمع آوری کردند مجلس شورای ملی کمیسیون انتخاب کرد که آن کمیسیون بنشیند و در این باب تبادل افکار کرده رای بدهد این بود که کمیسیون هم در این خصوص بعد از ملاحظات و مذاکرات اینطور رای داد و اما اینکه قبل از وقت بگوئیم چقدر لازم داریم این یک مسئله است خارج از این ترتیب که باید وزیر مالیه یک روزی بیاید و بودجه تمام مملکت را بیاورد آنچه خرج مملکت است در یک طرف بنویسد و آنچه که عایدات دولت است در طرف دیگر بنویسند و بعد تعدیل بکنند ببیند چقدر کسر دارید و اما در باب مصرف این وجه برای بعضی اصلاحات اساسی است که منوط بتصویب مجلس شورای ملی است که بهر مصرف اساسی تصویب نماید خواهد رسید والا اگر این وجه را جمع بکنند از برای اینکه فردا فلان وزیر بیاید بگوید که فلان سرباز یا فلان فوج می خواهد حرکت کند و فلان قدر وجه لازم است نمی شود این وجه را از برای این قسم از مصارف خرج کرد این برای اطلاعات اساسی است که به تصویب مجلس باید خرج شود

**آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - عرض بنده راجع باعانه بود این که گفته شد که اگر کسی اعانه بدهد قبول نمی کنیم ممکن است که آنرا بگیریم برای معارف صرف کنیم

**کاشف** - بنده عرض می کنم مطالب را نباید داخل هم کرد مسئله معارف هیچ ربطی با اعانه ندارد کسانی که اعانه میدهند ممکن است همانطور که گفته شد پول آنها را مثل سهام استقراضی بپردازند بعدا که خودشان بخواهند در مصرف معارف صرف کنند مختارند

**نایب رئیس** - مذاکره در کلیات کافی است معلومی شود اساسا مخالفی نیست حالا رای می گیریم رای اینکه داخل شود مواد شویم کسانی که تصویب می نمایند تمام کنند

(اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد شروع در شور و اوازه)

(در ماده ۱) بعد از مذاکرات زیاد آقای دکتر

علی خان پیشنهادی از قرار ذیل نمودند این بنده پیشنهاد می کنم که فقط بعضی از ماده اول حذف شده فقط نوشته شود که به مصرف اصلاحاتی که مجلس شورای ملی تصویب می نماید خواهد رسید در قابل توجه بودن این پیشنهاد اخذ رای شده با اکثریت رد شد

**نایب رئیس** - شور در بقیه این لایحه می ماند برای جلسه آتی حالا بعضی از آقایان سئوالاتی از هیئت وزرا دارند - آقای مؤتمن الملک سئوالی داشتید از وزیر فواید عامه و وزیر مالیه بفرمائید

**مؤتمن الملک** - بنده از هیئت وزراء بخصوص

وزیر مالیه و وزیر فواید عامه سئوالی داشتم راجع بعضی عوارضاتی که بغیر قانون اخذ میشود چون بنده خوش ندارم که بعضی ارجاف را که می گویند و بی تحقیق اینجا می آورند مطرح مذاکره کنم از این جهت اول از وزیر مالیه و وزیر فواید عامه سئوال میکنم که بعضی عوارضاتی که می گویند از مردم می گیرند صحت دارد یا خیر مثلا اینکه میگویند پنجهزار از هر باری ذغال از طرف وزارت فواید عامه گرفته می شود صحت دارد یا ندارد دیگر اینکه در شمیرانات از قرار تحقیق اداره قیام خیلی تعدی می کند و یک شکایتی از آنجا کتباً برای بنده رسیده است که مینویسد کافذی قرائت نمود مشعر بر اینکه از آنروزی که اداره قیام در شمیرانات دایر شده از تمام اشیائی که حمل و نقل میشود از یک الی چهار بار از تمام چیزها مثلا از تراش درخت که درخت برای سوخت خانه خود تهیه میکنند باری پنجاه میگیرند حتی اینکه از دوبار تراش مامورین دهشاهی گرفته بودند بعد که صاحب بار با اداره عارض شده بود اداره صد دینار آن را رد کرده بود و گفته بود باری یک عباسی گرفته شود و اینقدر زیاد گرفته است بنده می خواستم از آقایان وزراء بخصوص وزیر مالیه و وزیر فواید عامه سئوال کنم این مطالب صحت دارد یا خیر و در صورت عدم صحت قانونی است یا غیر قانونی و اگر صحت دارد سئوال میکنم که در این باب برای جلوگیری چه اقدامی شده است چون امروز ما می بینیم بعضی اشخاص هستند بعضی انتشارات میدهند و مقصود آنها معلوم است و اگر هیچ مآخذی نمیداشت میتوانیم بگوئیم اهمیتی ندارد ولی بدبختانه بعضی از عوارض نبوده است و مجلس برای آنها قانونی وضع کرده که بلایه از مردم بگیرد حالا صحیح نیست که مردم بگویند عوارض دیگری هم هست که از شما خواهند گرفت و خواهش میکنم از وزیر مالیه و وزیر فواید عامه که در این باب جواب بنده را بفرمایند

**وزیر مالیه** - این اطلاعات را که میفرمائید بنده عرض نمیکنم بکلی بی اساس است آنچه که راجع بمسئله ذغال است که وزارت مالیه ابد اطلاع ندارد و گویا وزارت فواید عامه هم اطلاعی نداشته باشد باین جهت آنرا تکذیب میکنم و اما آنچه که راجع بساداره قیام است مسئله قیام یک چیز تازه نیست معمول شده باشد از عایدات سابق است نهایت این است که وزارت مالیه برای اینکه یک ترتیب در آن بدهد و همچنین برای ادخال اصلاحات در کلیه عایدات مملکت مجبور بوده است که یک ترتیبی

**وزیر مالیه** - این اطلاعات را که میفرمائید بنده عرض نمیکنم بکلی بی اساس است آنچه که

راجع بمسئله ذغال است که وزارت مالیه ابد اطلاع ندارد و گویا وزارت فواید عامه هم اطلاعی نداشته باشد باین جهت آنرا تکذیب میکنم و اما آنچه که راجع بساداره قیام است مسئله قیام یک چیز تازه نیست معمول شده باشد از عایدات سابق است نهایت این است که وزارت مالیه برای اینکه یک ترتیب در آن بدهد و همچنین برای ادخال اصلاحات در کلیه عایدات مملکت مجبور بوده است که یک ترتیبی

در کلیه آن بدهند بدیهی است ترتیبی که داده میشود بالضروره میبایستی کسانی که خودشان را از بعضی عوارضات استثناء کرده اند مثل سایرین بدهند مسئله قیام یک چیزی بوده است که بطور بی ترتیبی گرفته میشد حالا وزارت مالیه در طهران آنرا در تحت ترتیب در آورده است و معلوم است چیزیکه در مرکز شروع شد در ولایات هم میبایستی آن نظم و ترتیب مقرر شود این بود که در بعضی ولایات خواستند شروع کنند و از آنجمله در شمیران هم شعبه دایر کردند لیکن در شمیران دیدند که این مسئله صرف نمیکند و عایدات آن آنقدر نیست که کفاف مخارج آنرا نماید این بود که از وزارت مالیه قذف شده فعلا موقوف باشد

**وزیر فواید عامه** - اما در مسئله ذغال بنده خیلی تعجب میکنم که یک چنین چیزی در مجلس اظهار شود چطور مجلس قبول میکند که بنده چنین مالیاتی وضع کرده باشم و حکم کرده باشند بگیرند بدون اینکه در مجلس مذاکره شده باشم و از مجلس گذشته باشد و خیلی تعجب میکنم کی این انتشارات را داده است و چطور شده است که مجلس قبول کرده است

**مؤتمن الملک** - بنده خیلی خوشوقت شدم از جوابی که وزیر فواید عامه و وزیر مالیه اظهار کردند بنده هم این ارجاف را قبول نکردم اگر قبول کرده بودم استیضاح میکردم نه سئوال و عقیده بنده این است وزارت داخله باید از این قبیل انتشارات جلوگیری نماید مثل اینکه مردم میگویند از شما بعضی مالیات ها خواهند گرفت حتی زنهای شما را میکشند اگر از پانزده من زیادتر شد مالیات میکشند جلوگیری از این قبیل شایعات از وظیفه مجلس شورای ملی خارج است وزارت داخله باید مردم بفهماند که هیچ وجه از این قبیل قوانین از مجلس نگذشته است و اینها فقط کارهای مفسدین است که اینطور انتشارات را میدهند و مقصود بنده سئوال بودنه اینکه خواسته باشم بهیئت وزراء اعتراض کرده باشم

**معاون وزارت داخله** - پیرروز در کمیسیون داخله از علت کمی ذغال و گرانی مذاکره شد گفتند ذغال فروشها انتشار دادند که در معادن از بعضی بارها پنجهقران و از بعضی بکتومان گرفته میشود این مطلب بکلی بی اصل بود اعلانی در این باب از وزارت داخله شده است که این مطلب بکلی بی اصل است و فردا منتشر میشود

**نایب رئیس** - آقای حاج فاتح الملک سئوالی داشتید از معاون وزارت داخله در باب کمی نان بفرمائید

**حاج فاتح الملک** - بنده از معاون وزارت داخله می خواستم سئوال کنم که در باب نان چندی قبل کارنان قدری بصورت وسختی افتاد شاهزاده اسدالله میرزا سئوالی کردند و معاون وزارت داخله جوابی دادند تقریبا ایشانرا متقاعد کردند که تا غره جمادی الاولی یک قراری میدهند و گندم بقدر کفایت وارد میکنند که اگر نان بکلی منظم شود بر عکس این روزها می بینم که امرنان بیشتر از سابق بسختی کشیده و

مرض می کنم ما نباید هنوز عادت سابق را داشته باشیم که هر وقت از امر نان سؤال می کردند جواب میگفتند از اقبال بیوزال شهر یاری خیلی خوب و فراوان است بنده امروز صبح و بعد از ظهر مخصوصاً از دکان نانوائی عبور میکردم دیدم که خیلی سخت شده است و از معاون وزارت داخله سؤال میکنم که آیا بان اقداماتی که در سابق گفته بودند شده است و تا اول جمادی الاولی اصلاح خواهد شد و فلان قدر کندم و فلان قدر آرد خواهد رسید چه شده است که تا امروز آن اقدامات بجائی نرسیده است و مردم این طور بی تاب و داد و فریادی کنند

**دبیر الملک [معاون وزارت داخله]** مسئله نان یکی از مسائل مهمه این شهر شده است و چند روز است مشغول مذاکره هستیم در چند روز قبل که نان کم شده معلوم شد مال باندازه لزوم برای حمل گندم موجود نبوده است و شروع بکار شدیم و اگر نمایندگان محترم میخواهند از ترتیب اقدامات وزارت داخله مفسلا مستحضر شوند اجازه بفرمایند دوسیه اینکار را بیاورم که معلوم شود در شبانه روز ۲۴ ساعت ۹ ساعت من و وزیر داخله وقت خود را صرف اینکار می نمایم چنانچه آقای حاج وکیل الرعایا هم اطلاع دارند و در این باب اقدامات فوق التصور کردیم این دسته شتردار و غیره از ایالات اطراف حرکت داده ایم و بیست دستگاه گاری هم بطرف عراق و قزوین فرستادیم و بر حسب خبری که امروز رسیده است از هشت روز قبل تا امروز هزار و پانصد خروار از عراق و سیصد و پنجاه خروار از همدان و دیست و پنجاه خروار از قزوین و زنجان گندم حمل شده است و سوار امنیه هم محافظ آنهاست که بسرعت برسدوا گرنمایند گان محترم صورت واردات این شهر را می داشتند میدانستند که در سابق فقط روزی پانزده الی شانزده بار گندم وارد این شهر می شد و امروز سیصد الی سیصد و پنجاه رسیده است و بعد هم زیادتر خواهد شد مثل اینکه امروز سیصد و خورده وارد شده است و اما این را آقایان بدانند علت اینکه امر نان قدری صعوبت دارد چیست این است که هنوز سر خرمن نرسیده است و ما هم نمی توانیم اجازه بدهیم نان را خیلی گران بفروشند که آزاد بشود آنوقت تمام مردم گندم بیاورند بفروشند و مجبوریم بقمتمی که دولت گندم وارد می کند بفروشند و یک علت دیگر این پد است که هم باندازه کافی موجود نیست که یک دفعه زیادتر خریده و حمل شود

**حاج فاتح الملک** - اگر نظر مبارک آقایان محترم باشد در چندی قبل معاون وزارت داخله همین جواب که ما را در رفاه خواهند کرد و حالا هم نمیدانم شاید بهمین طوریکه گندم رسیده است و شاید بعد از این هم برسد ولی عرض میکنم امیدوارم که این اطمینان مثل سابق نباشد و طوری شود که امر نان اصلاح شود

**معاون وزارت داخله** عرض کردم اگر خواسته باشند بتفصیل از اقدامات وزارت داخله مسبق شوند خوبست بفرمایند که دوسیه اینکار را که تقریباً یک کتاب مفصلی است بیاورم ارائه بدهم لیکن امیدوارم این مسئله نان بسهولت رفع

شود و بکلی رفع این اشکالات شود

**نایب رئیس** - ده دقیقه تنفس است (مجدداً جلسه تشکیل شد)

**نایب رئیس** - دو فقره کمیسیون فوق العاده بنا بود انتخاب شود یکی کمیسیونیکه آقای مؤمن الملک تقاضا کرده بود و یکی کمیسیونیکه بنا بود برای طرح آقای حنعلی خان راجع بمسئولیت وزیر دربار از شعبات انتخاب شود حالا اسامی اعضاء این کمیسیون خوانده میشود

**آقای معزز الملک** - کمیسیونی که آقای مؤمن الملک تقاضا کرده بودند

صدیق حضرت دکترا سید علی خان - احمد الله میرزا - میرزا محمد علی خان تربیت - ذکاء الملک - وکیل الرعایا کمیسیونی که برای طرح آقای حسنعلی خان راجع بمسئولیت وزیر دربار معین شده

مؤمن الملک - حکیم الملک - آقای میرزا محمد صادق طباطبائی - اسان الحکماء - ممتاز الدوله - حسنعلی خان **نایب رئیس** - خوبست بعد از مجلس آقایان منتخبین جمع شده هیئت رئیسه خودشانرا انتخاب نموده مشغول مذاکره شوند تا لگرافی از شاهزاده امیراعظم بعنوان آقای رئیس الوزراء رسیده است قرائت میشود (قرائت شد)

**نایب رئیس** - این هم تلگرافی است که از انجمن ولایتی اردبیل رسیده است برای استحضار آقایان خوانده میشود (قرائت شد)

**دکتر علیخان** - تا بحال چندین فقره تلگراف از اردوی دولتی و اردبیل رسیده است و عرض کردم مجلس باید اظهار تشکر از خدمات و زحمات بختیارها بکند و تا بحال اظهاری نشده است

**نایب رئیس** - چرا تشکر نشده است مخصوصاً برای سردار بهادر تلگراف از طرف مجلس شده است راپورت کمیسیون فواید عامه راجع بامتیاز صابون سازی قرائت میشود

(آقای میرزا مرتضی قلیخان راپورت را قرائت نمودند)

**حاجی آقا شیرازی** - بریروز در کلیات این امتیاز مذاکره شد و ناقص ماند و گمان میکنم خیلی از آقایان هم در این باب نظریات داشتند که موقع نهی بیان بفرمایند حتی اینکه مخبر کمیسیون هم فرمودند من مدافعه از کمیسیون نمیکند و بعقیده بنده باید در کلیات این امتیاز گفتگو گردد که اساساً به بینیم که مسئله انحصار صناعت در مملکت ما مفید است یا خیر هیچ کتاب یا مقاله ثروتی تصدیق نکرده است که یک صنعتی که در مملکت برای جمعی ولو ده نفر مفید باشد میتوان او را اجازه انحصار داد هیچ کس این معنی را تصدیق نمیکند که یک صنعتی که در یک مملکتی رواج دارد و اهالی هزارها امیدواری دارند که بعد از تنظیم ادارات از آنها استفاده کنند این انحصار در آن صلاح حال آن مملکت باشد این جا که نظر باید کرد یکی جهت ترویج و ترقی تجارت و یکی از جهت ترویج صناعت که رفته رفته صنعت ماروبه ترقی گذارده باعث از دیاد ثروت میشود و انحصار یک صنعتی گمان میکنم از هر دو جلو گیری کند هم جلوی ترقی را بگیرد و هم اینکه اگر کسی بخواهد یک رشته صنعتی در دست بگیرد نتواند بزرگترین

دفاعیکه امروز در این جا شد این بود که گفته شد یک شخص که میخواهد سرمایه کلی خود را در یک صنعتی بکار ببرد باید یک طوری کرد که از اقدامات و سعی های خود نتیجه بگیرد و خرجی که میکند فایده ببرد بنده عرض میکنم بهین دلیلی که این شخص میخواهد از سرمایه خودش استفاده کند صاحب یک سرمایه دیگری هم می خواهد از سرمایه خود فایده ببرد چه دلیل دارد که یک نفر که سرمایه دارد انحصار بدهیم و از هزار نفر دیگر سلب امتیاز کنیم و نگذاریم که آنها هم از سرمایه خودشان استفاده نمایند سرمایه را که در یک چیزی بکار می اندازند درجات فائده اش مختلف است از صدی پنج است تا صدی ده تا صدی سی بنده عرض می کنم کسانی که صاحب سرمایه هستند اگر دلشان بخواهد آن درجه اعلائی منفعت سرمایه خودشان را که صدی سی است ببرند و جلو گیری کنند از دیگری که میخواهد سرمایه خود را بکار بیندازد و صدی ده یا صدی بیست منفعت ببرند چه دلیلی دارد بمانع از این مملکت که ما بگوئیم آن شخص صدی سی منفعت ببرد و دیگران که صدی ده می خواهند منفعت ببرند نبرند فقط گفته شد اگر آن امتیاز را با ما ندهیم سرمایه خودش را بکار نمی اندازد از سرمایه او استفاده نمی شود بنده عرض می کنم برای چه و از روی چه دلیل هر کسانی که در این مملکت صاحب سرمایه زیاد هستند تمامشان باید اعلی درجه منفعت را جالب باشند و اگر کسی کمتر از اوقاف خود را مانع شویم به علاوه در این امتیاز دو انحصار می بینم یک انحصار مکانی یک انحصار زمانی و در این انحصار بنده درست نمی فهمم که فرض چیست اگر فرض هائی که در این بلادی که نوشته شده است منحصر باوست فرض هائی که مثلا در سمنان و دامغان یک کارخانه دیگر احداث بکنند این معلوم است در سمنان کارخانه صابون سازی نخواهد بود یعنی کسی کارخانه صابون سازی در سمنان نخواهد وارد کرد و اگر فرض این است که کارخانه صابون سازی این شخص که مثلا در طهران است تجارتش را در این بلاد بطور انحصار می کند باین معنی که در این نقاط فقط او حق صابون فروشی دارد نه غیر او که کسی دیگر نمیتواند در این حدود صابون بفروشد گمان نمی کنم این را تصدیق کرده باشد با آن که فرض اینست که فقط صابون این کارخانه را در این حدود می خواهد بفروش رساند آنهم صحیح نیست برای این که این یک مصارفی کرده و یک کارخانه وارد کرد اگر در این حدود صابون او فروش رفت نمی تواند صابونش را به نقطه دیگر حمل نماید این هم تصور نمی کنم صحیح باشد پس حاصل این دو انحصار را درست بنده نفهمیدم

**مفتصر السلطان** - بریروز عرضی که در اینجا کردم عقیده شخصی خودم بود ولیکن دفاعی که می کنم از عقیده کمیسیون است در باب اینکه فرمودند امتیاز شخصی مانع ترقیات تجارتی و صناعتی است اینطور نیست بجهة این که اگر ما بخواهیم در مملکت ماهمه قسم ترقیات مملکتی اول تجارتی و صناعتی حاصل شود باید از اشخاصی که اینگونه اقدامات را می کنند همه قسم همراهی کنیم که آنها بتوانند سرمایه خودشان را در کار بیندازند بهترین همراهی بحال اطمینانی که بآنها داده میشود و اگر بآنها همراهی نکنیم هیچ کسی اقدام باوردن کارخانجات

نمیکنند و اگر مثلاً يك نفر يك کارخانه وارد کند و انحصار باوند به هم ممکن است دیگری هم وارد کند در این صورت شاید در این مملکت از دو کارخانه منفعتی که باید حاصل شود نشود یعنی این سرمایه کلی که صرف آوردن يك کارخانه شده است و سالی صدی بیست الی صدی سی باید فائده ببرند از آن این فائده حاصل نشود به علاوه هر دوی آنها از کار می افتند و فقط یکی از آنها برای ما میماند بی فائده پس باید انحصار تا يك مدت در چند محل بصاحب امتیاز دارد که در آن محلها کارخانه دیگری وارد نشود که اسباب تعطیل این کارخانه و بالاخره از بین رفتن هر دو سرمایه بشود و اینکه فرمودند کسان دیگر هم حق ندارند صابون درین حدود بفروشند یا آنکه حق ندارند و اما صاحب امتیاز خودش را می تواند بنقطه دیگری از حدود معینه حمل نماید این بدیهی است هر کس ممکن است که صابون کمافی السابق درست نموده بفروشد و صاحب امتیاز هم حق خواهد داشت که صابون خودش را در تمام مملکت بفروشد این امتیاز مکانی فقط از برای این که در این حدود دیگری کارخانه وارد ننماید و اگر فرضاً يك کارخانه در آذربایجان باشد می تواند که صابونش را در حدودی که در این امتیاز معین شده آورده بفروشد برساند و در خصوص امتیاز زمانی اختیار با مجلس است اگر ۸ سال را زیاد میدانند کم نماید و الا در این که يك مساعدتی باید بچنین اشخاص بشود شاید محل اختلاف نباشد.

### وکیل التجار - اولاً میخواستیم خاطر مبارک

آقایان را متوجه این نکته نمایم که این انحصاری که درین لایحه است امتیاز تجارتی است نه انحصار و امتیاز صناعی دیگر آنکه میخواستیم عرض کنم که در اینگونه اقدامات که بعضی میکنند و مبتکر می باشند دولت باید در حق آنها مساعدتی نماید لیکن چیزی که لازم است دولت هم قدری در آن مدافه کند این است که کسیکه يك امتیازی در يك محوطه می خواهد مامم که قرار شد يك انحصار بیک شخص بدهیم باید چند اطمینان باو داشته باشیم اولاً باید دید که این صاحب امتیاز بقدری سرمایه دارد که رفع احتیاج اهالی آن محوطه را بنماید که در آنجا این امتیاز دارد یا خیر طوری نباشد که بعد بواسطه نداشتن سرمایه اسباب زحمت شود و برای تجار بقدریکه میتواند باطراف برساند سرمایه دارد یا ندارد و این اول چیزی که در هر شرکتی لازم است که اولاً سرمایه آن شرکت باید معلوم باشد دیگر اینکه میدانیم صنایع در ایران مبتکر است و همه کس مایل است آن منافع را ببرد پس در این صورت نمیشود همین قسم سر بسته بیک نفر انحصار داد در صورتی هم که يك انحصاری میدهند يك حداقلی معین میکنند که مثلاً در صدی ده یا صدی ۲۰ منفعت و عایدی راجع بصاحب امتیاز چون منافع این قبیل چیزها می دانیم خیلی است بجهت اینکه میدانیم بواسطه آن ماشین آلات ممکن است بیه را بصورت صابون یا گله را بصورت عطریات بیاورند و بقیمت های گزاف بفروشند در صورتیکه خیلی ارزان تمام میشود در صورتیکه میزان خودش معین نباشد آنوقت ممکن است آنکه از خارجه وارد میکند قدری ارزان کند و متاع اینرا بکلی می شکند برای اینکه میدانیم آنها بیک منفعت

خیلی جزئی هم اکثراً ممکن است بکشند از برای خروج مال التجاره خودشان و در صورتیکه سرمایه صاحب امتیاز معین میباشد و بیک میزان کمی این اقدام را کرده باشد ممکن است بواسطه کمی سرمایه نتواند جنس خود را به جا برساند در آن صورت کارخانجات خارجی جنس خود را ارزان بفروشند و این کارخانه را بطوری بشکند که مجبور شود در کارخانه را ببندد سرمایه بی فائده بماند پس باید قبل از وقت سرمایه اینها را معین کرد پس بنده لازم میدانم که در اول هر امتیاز دو مسئله معین شود یکی میزان سرمایه یکی هم حد اکثری که او منفعت خواهد برد اگر این مسئله را در امتیازات معین کردیم آن وقت ضرری ندارد که یکی از این قبیل امتیازات بمجلس بیاید و بگذرد ضرری ندارد و تصویب شود و انحصار داده شود.

**نایب رئیس -** بطوریکه در صورت مجلس خوانده شد پریروز هم این امتیاز نامه قرائت شد لیکن بواسطه عدم کفایت عده و کلاً نتوانستیم در آن رای بگیرییم حالا هم با کمال تأسف عرض می کنم عده کافی نیست برای رای گرفتن بیرون هم از و کلاً نیستند که برای رای گرفتن حاضر شوند (بعضی گفتند عده برای مذاکره کافی است)

**حاجی میرزا آقا -** امشب مذاکره بقدر کفایت شده و موقع اخذ رای رسیده عده کافی بود حالا باز شروع بهمان مذاکرات شده است.

**منتصر السلطان -** بنده می خواستم مختصری در جواب آقای وکیل التجار عرض کنم که فرمودند باید سرمایه تعیین شده باشد تعیین سرمایه راجع بوزیر فواید عامه است راجع بمجلس نیست.

**ادیب التجار -** بنده عرض می کنم در قرائت اینگونه لوائح باید وزیر فواید عامه حاضر باشند و در موقع لزوم توضیحات بدهند.

**حاجی محمد اسمعیل کاشف -** روز سه شنبه که این لایحه امتیاز نامه در این جا قرائت میشد ما چون در تکرارخانه بودیم و حاضر نبودیم یاره عرایض که در این خصوص بنده داشتم باین مجلس افتاد لازم است حالا چند کلام عرض کنم در ایران تا بحال هر کاری شده است از قبیل آوردن يك کارخانه یا تأسیس يك شرکت یا يك بانک چون اساس صحیحی نداشته باخر رسیده و اسباب یأس عامه شده است خیلی کارها است که شروع شده و نتیجه نکرده اند و علتش این بوده که آن تأسیسات يك قانون صحیحی نداشته و در مقابل دولت مسئول نبوده اند و ضامن یکدیگر نبوده اند و بنده در این خصوص خیلی تأکید میکنم که این دفعه که در مملکت يك کاری شروع میشود باید دقت کرد که مثل سابق نشود و اسباب یأس سایرین مجدداً فراهم نیاید دیگر آنکه بنده عقیده ام برخلاف انحصار است و انحصار را غلط میدانم بجهت اینکه این راجع به تجارت است و تجارت در همه جای دنیا آزاد است علت ندارد که آزادی را در تجارت از تجار بگیریم دیگر آنکه در این راپورت مینویسند انحصار مکانی و این مسئله خیلی توضیحات لازم دارد لازم است وزیر فواید عامه خودشان حاضر باشد و توضیحات بدهند و

مداخله کنند و دلیل انحصار را بگویند که بجهت دلیل تصویب انحصار کرده اند به علاوه تمام این ها در این امتیاز لفظ کمیانی دیده میشود و معلوم نیست اعضاء کمیانی کیست و تا چه اندازه می توانند دولت را مطمئن سازند و اینکه نوشته شده است که تا سه سال از تاریخ این امتیاز اگر کمیانی شروع نکند این امتیاز ساقط است این مدت هم زیاد است بجهت اینکه سه سال دست و پای مردم را می بندد و بنده سه ماه را هم زیاد میدانم بجهت اینکه این يك مدت زیادی لازم ندارد خصوص حالاً که شنیده ام تمام اسباب و لوازم این را خریده حاضر کرده اند و در آخر عرض خودم عرض میکنم که باید بطوری دقت شود که اسباب یأس مردم فراهم نشود مثل اینکه شرکت عمومی و بانک ملی خیلی مردم را مأیوس کرد

**فاتح الملك -** بنده برخلاف بعضی از نمایندگان که میگویند این انحصارات را نباید داد زیرا که آزادی تجارت را میگیرد یا دست دیگران را می بندد عرض میکنم مادام که این قبیل مساعدتها نشود کسی نمیتواند سرمایه خودش را بفرنگستان فرستاده صرف اینکارها نماید علت این که تا بحال هم در این مملکت در این قسم کارخانجات نداشته ایم این بوده که اطمینان نداشته اند معلوم است کسیکه سرمایه خودش را این کارها می اندازد و بطمع نفع اینکار را میکند و مادام که این انحصار نباشد اطمینانی برای آن شخص نیست که این اقدام را بکند پس اگر می دانید که مدت انحصار زیاد است ممکن است از مدت کار بکاهند و الا بکدرجه انحصار لازم است اما اینکه فرمودند سرمایه کارخانه صابون پزی باید معین باشد این بدیهی است از وظیفه وزیر فواید عامه است که هم بداند چقدر سرمایه دارند هم بدانند چه اشخاصی هستند اعضاء کمیانی اما در خصوص مدت آنرا هم ممکن است اصلاح کنند که يك چنین شخصی چنین امتیازی می خواهد باین شرایط هر کس که تروسه لتر حاضر است بیاید باو داده میشود اما در خصوص اینکه کمیسیون معین کنند که بجهت قیمت خواهد فروخت این يك چیز است که با خود کمیانی است بجهت اینکه اگر کران بفروشد مال دیگران حاضر است از آنها بخرند.

**وکیل الرعایا -** بنده اگر يك اشتباهی پیش خودم نبود زحمت این مذاکره را با آقایان نمیدادم من يك تشویش بزرگی دارم و آن این است که این که میترسم این امتیاز رد شود می خواهم از آقایان استدعا کنم که قدری توجه بنمایند که هر قدر ممکن است اسباب ازدیاد این قبیل تأسیسات فراهم شود چیزی که در امتیاز زیادی است آنرا بزیند و آن انحصار است که بنظر بنده هم زیاد می آید اما باید يك قسم مساعدتی کرد اگر پول داشتیم میگفتم فلان قدر مساعدت مالی بکنیم حالا که دولت يك چنین پولی ندارد پس چه قسم مساعدت کنیم میگوئیم يك انحصاری در يك مدتی که آنهم از این فایده ببرد باو داده شود اما اینرا هم باید ملاحظه کرد که انحصار چه مضاری دارد انحصار ضرر سیاسی دارد فقط انحصار در يك چیزی است که آنرا هم من نمیتوانم بگیرم در اینجا پس چه قسم باید باو کمک کرد بنظر بنده وقتی کسی اقدامی

در مملکت کرد که دیگری نکرده است و او مبتکر است آنوقت دولت مالیاتی که از او میخواهد بگیرد نمیگیرد او را ده سال ازدادن مالیات معاف میدارد که از این راه باو کمکی کرده باشد حالا آقایان خوبست که فقط شور در کلیات نمایند وقتی که بجزئیات رسیدیم آن انحصار را بر میداریم و بجای آن اگر صلاح میدانید اینرا بگذارید که در چند سال مالیات ندهد .

**اسدالله میرزا -** دومی مسئله بود که بطوریکه لازم بود آقای مخبر کمیسیون توضیح نکرده بنده مجبورم عرض کنم اولاً اظهارات جناب وکیلالتجار را تأیید میکنم و تمام آن صحیح است باید سرمایه آنرا وزیر فواید عامه معین کنند اما آنچه اظهار شد در عدم انحصار بنده برخلاف آقایان انحصار را لازم میدانم بجهت اینکه حالا تمام صابونهای که استعمال میشود از قبیل صابون عطری - صابون توالی خیلی کم است و اگر استاتستیک تجارتی داشتیم میدانستیم که چقدر صابون در کلیه ایران مصرف می شود مادر کمیسیون قدری هم داخل درآمد شدیم و حالا نظرم نیست اگر وزیر فواید عامه حاضر بودند توضیحات میدادند علت اینکه بنده انحصار را زماناً و مکاناً لازم میدانم اینست که این کارخانه روزی سی من خواهد ساخت از روی این حساب شاید محل استعمال تمام ایران بیش از این نباشد در اینصورت اگر ما انحصار ندهیم ممکن است یک نفر دیگر هم یک کارخانه وارد کند در اینصورت روزی سی من که از این کارخانه خارج میشود بهدل میشود بروزی ده من و روزی ده من مصارف کارخانه را که مجزی کنند شاید عایدی نداشته باشد بلکه ضرر کند در اینصورت بواسطه صابون هائی هم که از خارج وارد می شود بعد نیست بکلی یکی یا هر دو کارخانه بخواهد بجهت اینکه ضرر میکند باین ملاحظه ما انحصار را تجویز کردیم که اسباب یک چنین خسارتی نشود لیکن از برای اینکه در آذربایجان یا فارس و کرمان کسی بخواهد یک کارخانه وارد کند دست و بال آنها را نه بسته باشیم بعضی نقاط را استثناء کردیم و بالاخره عرض میکنم که این مقدار از انحصار را بنده لازم میدانم .

**نایب رئیس -** خیلی ها اجازه خواسته اند و مذاکره کافی است حالا رای میگیریم در اینکه داخل مباحثه مواد بشویم - (گفتند باید معلوم شود که انحصار هم هست یا خیر) .

**نایب رئیس -** پس مذاکره میکنیم .  
**مقیم السلطنه -** در موقتی که بریر روز در کلیات این لایحه شور میشد نظر باینکه بنده غایب بود تصور میکردم بعضی نکاتیکه جالب سلب این امتیاز باشد ذکر خواهد شد و بنده در اینجا برای انقضاء انحصار امروز یک دلیلی که بنده را قانع نماید نشنیدم تصور میکنم اینکه نمیگذرد این امتیاز بجهت همین کلمه انحصار است و اگر این کلمه برداشته شود زود میگذرد چیزی که ما را خیلی میترساند و تصور میکنم منافعی حفظ منافع عامه باشد همین لفظ انحصار است .

**مؤتمن الملک -** بنده گمان میکنم این مسئله خیلی مهم است و اگر دوسه روز هم در این مسئله صحبت کنیم شاید وقت خودمانرا کم نکرده باشیم برای اینکه این مسئله باید معلوم شود که انحصار با

مشروطیت آیا منافات دارد یا خیر گفته شد در این جا باید تشویق کرد نمیدانم چرا باید تشویق کرد آن شخص صاحب امتیاز را باید تشویق کرد یا تجارت را بنده عقیده ام این است که علاوه بر تشویق اسباب یأس تجار شود قانون انحصار اگر ما بخواهیم این ترتیب را پیش بگیریم اسباب میشود که تجارت در دست یسکند از سرمایه داران باشد بعضی جاها امتیاز میدهند در بعضی مواقع مخصوص بملاحظه اینکه یکسری مایه بزرگی لازم دارد مثلاً در خط آهن امتیاز میدهند برای اینکه اولاً در یک مسافت کمی بیست و کرور سرمایه لازم دارد از برای حفظ یک سرمایه بزرگی نمیشود انحصار را برداشت بجهت اینکه ممکن است پهلوی آن خط خط دیگری بسازد و اسباب ضرر از بین رفتن سرمایه اولی شود درین صورت انحصار میدهند اما یک چنین چیزی که در واقع کسب است برای اشخاص اگر بخواهیم اینرا امتیاز بدیم میتوان گفت درباره آنها ظلم است اگر این مسئله این انحصار را جابجاء کارخانه قند سازی بود شاید بنده این اعتراض را نمی کردم اما در یک چنین مسئله جزئی نمی توان اجازه داد انحصار داشته باشد بالاخره عرض میکنم که این مسئله تا یک درجه مهم است و باید خوب شکافته شود و تصور میکنم آقای نایب رئیس هم اجازه خواهند داد که در این مسئله مذاکره بشود و اگر امروز تمام نشد بگذاریم بقیه مذاکرات را بروزدیگر و خود شاهزاده اسدالله میرزا که اصرار در انحصار دارند میدانند که در ممالک متدینه که امروز انحصار نیست شاید فقط در امریکا باشد و میدانند که اینهم یکی از نوافس قانون آن مملکت است و آقایان اطلاع دارند رئیس جمهور سابق آن مملکت (مستر روزوات) خیلی جد داشت که انحصار برداشته شود بجهت اینکه می گفتند مخالف تمدن امریکاست و تصور می کنم آقای اسدالله میرزا میتوانند بنده را ساکت نمایند یعنی نمی توانند هم ساکت و هم قانع نمایند و بنده هیچ وجه نمی توانم انحصار را تصدیق و تصویب کنم و همان طور که گفته شد لازم است وزیر فواید عامه در موقع قرائت این لایحه حاضر باشند و توضیحات لازم بدهند .

**مقیم السلطنه -** اظهار فرمودند آقای مؤتمن الملک که دادن این امتیاز یعنی بطور انحصار ممکن است مخالف روح مشروطیت باشد بنده این را قبول نمی کنم بجهت اینکه چنانچه رجوع باصل ۴ قانون اساسی نمائیم می بینیم نوشته است اعطاء امتیازات انحصار تجارتی و صنعتی و غیره با مجلس شورای ملی است اگر دادن امتیاز مخالف با روح مشروطیت بود چه طور در قانون اساسی نوشته می شد که بتصویب مجلس شورای ملی است این اصل یک دلیل بزرگی است بر اینکه دادن امتیازات و انحصارات تجارتی مخالف مشروطیت نیست و آن مثالی که آقای مؤتمن الملک زدند بفاوریک قند سازی یا راه آهن بنده همان مثل را میزنم از برای هر چیزی که در این مملکت هنوز ساخته نشده و یک نفر مبتکر است که آن کارخانه را وارد نماید لیکن اگر راجع باشد آن انحصار یک صنعتی که در این مملکت ساخته بنده و جماعتی هم از آن نان میخورند و دادن آن انحصار سبب می شود که آنها از نان خوردن مفاقتند در این صورت بنده این قسم انحصار

را غلط می دانم لیکن در صورتیکه کسی کارخانه ماهوت بافی یا چیت سازی یا غیر آنها را وارد کند و انحصار بخواهد باید باو داده شود اینرا هم باید ملاحظه کرد که هر قدر ما عجله از این قسم امتیازات بدیم که در مملکت ما ساخته می شود برای منافع است لیکن صابون سازی چیزی نیست که در ایران ساخته شود و معلوم است باینکه در این جایگاه کارخانه نیست خیلی از صابونها از قبیل صابون عطری و صابون توالی و غیره از فرنگ وارد میشود در صورتیکه یک کارخانه وارد شود که رفع این قبیل احتیاجات را بنماید البته صرف خواهد کرد و اینکه بعضی فرمودند که سرمایه این شخص یا این کمیانی باید معین و معلوم باشد بنده عرض می کنم هیچ وظیفه مانست که داخل این جزئیات بشویم به جهت اینکه سرمایه او در ضمن همین ماده که می گوید چنانچه در ضمن مدت یکسال شروع بکار نکند و این امتیاز ساقط خواهد بود ثابت می کند که این آقدر سرمایه خواهد داشت که در این مدت شروع نماید بملاوه می گویند که قیمت فروش را معین نمایند یعنی بعضی جاها حد اکثری را که منفعت خواهد بر داشت معین کند که کران تر نفروشد بنده تصور می کنم این اظهارات بکلی بی موقع است معلوم است در صورتی که کران فروخت و مال دیگران ارزان است بفروشد لیکن در آخر عرضم بار عرض میکنم آنچه می گویند راجع بمشکله انحصار که مخالف با مشروطیت است مخالفت با مشروطیت ندارد فقط چیزیکه مانع است ما را از تصویب آن این است که صابون سازی در ایران هست و اسباب می شود که مان آنها از دستشان می رود .

**حاجی آقا شیرازی -** بنده مجبورم تا آخرین درجه امکان مدافعه کنم در خصوص این انحصار آقای مؤتمن الملک هم فرمودند که منافی با روح مشروطیت است و بنده می بینم هر دلیلی که برای انحصار ذکر کرده اند فقط تشویق است که می گویند اگر انحصار داده نشود این قبیل کارخانجات در مملکت نخواهد آمد بنده عرض میکنم اول باید دانست که چه باعث بود که سابق بر این این قبیل کارخانجات وارد نمی شد علت این بود که مردم تا این نداشته اند از اینکه سرمایه خودشانرا ابراز نمایند و وقتی که مردم اطمینان پیدا کردند آنوقت همه قسم وارد می کنند بنده در شیراز خودم دیدم که یک شرکتی در آنجا بود اغلب هم می دانند حکام آمدند جلو گیری کردند و اگر قوه سرمایه آن کمیانی نبود رفع زحمت حکام از آن نمی شد باری بزرگترین تشویقی که لازم است از صاحبان سرمایه بشود همان تأمین است که بآنها داده شود بهر قسم که می خواهند سرمایه خود را بکار انداخته ابراز نمایند پس تشویق انحصار نیست تأمین است و اینکه گفته می شود اگر انحصار داده نشود دیگری ممکن است کارخانه وارد کنند و اسباب ضرر واز بین رفتن سرمایه هر دوشود بنده اینرا نمی فهمم بجهت اینکه معلوم است آن صاحب سرمایه قبل از آوردن یک کارخانه لابد تحقیق میکند که وارد کردن این کارخانه بحال او نافع است یا مضر است پس از اینکه دید نافع است وارد میکند اما جهة ندارد جلوی نفع دیگری را

بگیریم و در صورتیکه نافع ندید البته خودش اقدام به ضرر خودش نخواهد کرد و اینکه آقای مؤتمن الملک فرمودند در امر یکا هم انحصار یکی از نواقص قانون آنجاست و افکار همین طور است ما هم اینچنان عرض شخصی با کسی نداریم و همین قسم که کرده شد ممکن است دولت مساعدت باین قسم نماید که چند سال از آنها مالیات نکیرد و با آزادی تجارت ضرر وارد نیاوریم و ما میگوییم اساساً انحصار تجارتی منافعی با روح مشروطیت و آزادیست و بنده بنام آزادی تجارت بکلمه انحصار اعتراض میکنم.

**منتصر السلطان** - آقای مؤتمن الملک دلیلی ذکر کردند که ما انحصار را فقط بکارخانه قندسازی و راه آهن مثلا میتوانیم بدهیم که سرمایه زیاد لازم دارد و بجهت اینکه سرمایه آنها محفوظ بماند آزاد نمیکنند چه عیب دارد که همین قسم ملاحظه حفظ منافع فرد فرد را هم بنمائید و انحصار را تجویز کنید که سرمایه های جزء هم محفوظ مانده بملاوه این قبیل کار خانجات زیاد وارد شود و همین قسم در بعضی آنکه استثنا شده است ممکن است آنوقت دیگران ممکن است که وارد نمایند و جلوی آزادی تجارت را هم نگرفته باشیم.

**اسدالله میرزا** - همینطور یک آقای مؤتمن الملک و آقای حاجی آقا گفتند که مخالف مشروطیت است بنده این را مخالفم و عرض میکنم که ما هیچ قسم نایید نمیکنیم تجارت را حتی کسی که ماشین و اسباب صابون سازی را آورده و در باطوم است و معلم آلمانی هم اجیر کرده حالا نمیخواهند وارد کنند و اینکه اینجا اشاره شد که صابون در اینجا کم مصرف می شود اینطور نیست در مملکت ایران صابون از همه چیز زیاد تر مصرف میشود و صابون کثرت استعمالش ثابت میکند تمدن یک مملکت را اینهم مسلم است که هر قدر ترقی کند صابون سازی این مملکت تصور نمیکنم در این چند ساله بطوری ترقی کند که بصابون پیرس انگلیسی برسید پس لازم است که از حالا بهر قسم است ولو به دادن انحصار تشویق کنیم که وارد کنند این قبیل کارخانجات را آنوقت بواسطه اینکه در ایران صابون سازی ارزان تمام میشود از واردات ما خواهد کاست بجهت اینکه مردم طالب ارزانی هستند بنده بخوبی یاد دارم در ده سال قبل صحافی خوب در ایران نبود فاروس که آمد و اسباب صحافی وارد کرد یک صحاف هم دم سبزه میدان بود دید صحافی فاروس ترقی دارد یک اسباب مختصری وارد کرد و یک اندازه صحافی خودش را تکمیل کرد حالا مردم میروند پیش فاروس از برای جلد یک کتاب فاروس میگوید چهار هزار آنصحاف میگوید دو هزار میگیرم باو میدهند و و اینکه باو انحصار دادیم اولاً وارد میکند ثانیاً حس رقابت بین تجارت خارجه با اینکارخانه هم در ارزانی هم در خوبی جنس پیدا میشود و از این حیث که مردم طالب ارزانی میباشد این جنس ترقی خواهد کرد.

**رئیس** - خیلی از آقایان اجازه خواسته اند که چون جلسه خصوصی امشب داریم میگذاریم بجلسه آتیه یکسکوالی حاجی شیخعلی از معاون وزارت داخله دارند.

**حاجی شیخعلی** - البته خاطر وزارت داخله

هم مسبوق است که تلگرافات عیدیه از تجار خراسان و غیره رسیده است در جراید هم درج کرده اند که بعضی از سارقین فارس بطرف طبس و ترشیز حرکت کرده و در آنجا خلی اغتشاش کرده اند باینجهت مال التجاره در طبس مانده و اسباب تعطیل امور تجارت شده است و خیلی از این بابت نگران هستند اهالی آبادان مخصوص وزارت داخله اقدامات کرده اند یاخیر و این اقداماتی هم که بنده سؤال میکنم نه آن اقدامات سابق را بیان میکنم که فقط بلفظا گفته میشود.

**دبیر الملک** (معاون وزارت داخله) - سارقین فارس چند نیست که طغیان کرده اند و از راه کویر و پشت بزد بطبس رفته اند یکدسته قشون از بزد بتعاقب آنها فرستاده شده بملاوه بشوکت الملک هم تلگراف شد که یکدسته سوار چریک بر داشته بعقب آنها بروند سردار جنگ هم سرحدات بزد قشون گذاشته که جلو گیری از آنها بدهند همین قسم حکومت کرمانشاه صد سوار در سر راه آنها گذاشته که از آنطرف هم جلو گیری نمایند امیدواریم باین اقدامات رفع زحمت آنها بشود.

**نایب رئیس** - موضوع جلسه آتیه شور در راپورت کمیسیون استقراض شور در امتیاز صابون سازی شور در بودجه مجلس حالا مجلس خصوصی داریم (در این موقع مجلس علنی بمجلس خصوصی گردید و مجلس علنی ختم شد.)

#### جلسه ۹۴

#### صورت مشروح روز شنبه چهارم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸

مجلس سه ساعت بفروب خصوصی و در نیم ساعت قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای مستشار الدوله علنی شد.

صورت جلسه مجلس روز پنجشنبه (۲) را آقای معاضد الملک قرائت کرد.

**رئیس** - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست؟ [اظهاری شد.]

[رئیس صورت مجلس را امضاء کردند.]

تلگرافاتی از لندن از مجلس لرد ها بعنوان آقای رئیس رسیده بود آقای میرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند.

راپورت کمیسیون عریض قرائت شد مشرب این که عریضه از آقای وزیر زاده قرائت شد که بواسطه کسالت مزاج و معالجه تقاضای دو ماه مرخصی را از مجلس کرده بودند و نیز عریضه از آقای آقا میرزا احمد قزوینی قرائت شد برای کسالت مزاج و تغییر آب و هوا اجازه دو ماه مرخصی را تقاضا کرده بودند و از انجمن ایالتی خراسان و طبقات اهالی مشهد از تجار و غیره شکایت عیدیه از تعذبات حکومت خراسان رسیده که بواسطه تعذبات حکومت رئیس نظمی خراسان نیز استعفا نموده و تشکی از سارقین کرده و در ضمن عزل حکومت را خواسته بودند.

**آقای میرزا احمد** - بنده خودم هم میخواستم تقاضا کنم که اجازه مرخصی بنده مسکوت بماند.

**رئیس** - اگر آقای وزیر زاده هم این تقاضا را می کردند که دیگر محتاج برای گرفتن نباشد بهتر است.

**وزیر زاده** - برای اینکه آقایان نمایندگان

محترم تصور نکنند که برای تفریح این اجازه را خواسته ام اجازه نامه طبیب حاضر است که اگر خواسته باشند ارائه بدهم چون مبتلا بیک مرض عصبانی شده ام که خیلی اسباب زحمت بنده را فراهم آورده و در شبانه روز خواب ندارم ولی حال که کمیسیون تصویب نکرد و وجود مرابرای خدمات ملی لازم دانست تقاضای خود را استرداد می نمایم.

**اسدالله میرزا** - همه آقایان میدانند که وضع قوانین در هر جای عالم برای نظم و آسایش عامه است و ما امروز در این شهر می بینیم یک منظره عظیمی را که خیلی دور از آسایش است اگر چه این مسئله جزء دستور نبوده ولی گمان میکنم آقای رئیس و بعضی از نمایندگان محترم در اینکار شرکت داشته باشند که یک تکلیفی برای اینکار معین کنیم و بتوانیم در خارج مردم را اطمینان بدهیم که متصل صدای آه و ناله زن و مرد را نشنویم دیروز از معاون وزارت داخله در این خصوص سئوالی شد و جوابی هم دادند و اطمینان دادند ولی بدبختانه ما هر چه سؤال می کنیم هی در جواب بما اطمینان میدهند و ما باین خیال که وزراء مسئول داریم و تعهد میکنند و اینکار صلاح میشود کوشش نکردیم و دچار این قسم بدبختی ها شدیم بالا ترین بدبختی ها برای هر نماینده ایست که خودش در اینجا اسوده بنشیند و ببیند موکلین او اسوده نیستند باین جهت از معاون وزارت داخله می خواهم که هر اقدامی که در این راه کرده اند و ترتیبات صحیح را که داده اند و گویا دوسره خودشان هم آورده اند ارائه بدهند که ببینیم چقدر کندم وارد شده یا نه بدهند و چقدر کندم لازم داریم و تا سر خرمن می نراند بما اطمینان بدهند که کمایت خواهد کرد یاخیر یک بدبختی دیگر که به نظر بنده می رسد این است که مفسدین توی مردم می افتند و می کوبند که و کلاه شما چکار میکنند و این از قصور و کلاه شماست که الان نان در این شهر پیدا نمیشود و بعقیده بنده اولیاء امور غفلت کرده اند و همچنین روزنامه جات که مردم نفهمانیده اند که علت کمی نان چیست و بنده در هیچ روزنامه ندیدم که در این باب اشاره کرده باشد و بلکه مجلس هم اقدامی ننکرده است و آن این است که در آن انقلاب دوره محمدعلی میرزا خالصه جانی که می بایستی سالی هفتاد هشتاد هزار خروار کندم از محصول آنها وارد انبار شود و برای اینگونه موارد ذخیره باشد عمل نکردند به همین جهت بود که و کلاه ملت اول حس کردند که گندمی که در این شهر است برای مصارف آن کم است این بود سؤال و استیضاح کردند که در این باب چه اقدامی شده معاون وزارت داخله تعهد کردند و قول دادند که مشغول اقدامات هستند و کندم بقدر کفاف وارد میکنند و خود بنده هم اطلاع داشتم تلگرافات از اطراف رسیده بود و جهان شاه خان با کمال غیرتمندی حاضر شده بود که فوق العاده کندم برساند این بود که مسئله بحران کابینه بمیان آمد و آن اقدامات بی نتیجه ماند و آنهم یکی از بدبختی ها بود که بما خیلی ضرر رسانید و گویا معاونین هم خودشان را مستعفی می دانستند در صورتی که کابینه وقت که

بحران میگذرد ابتدا ربطی با اداره ندارد معاون باید سر کار خود بوده جد کند که اقداماتی را که وزیر کرده است بجائی برساند و ناقص نماند بدبختانه هنوز به نتیجه آن اقدامات نرسیده اند و همینطور این کار را معطل گذاشتند ولی این چند روزه که کابینه جدید تشکیل شده و رراء اقدامات کرده اند تلگرافات هم بولایات مغایره شده و در کمال جدیت شروع بکار شده است و گندم هم هم روزه وارد می شود و امروز بمن بشارت می دادند که ششصد بار شتری امروز گندم وارد شده ولی این ترتیب و این مقدار و کلاء این شهر را اطمینان نمی دهد که تا سر خرمن کفایت خواهد کرد و گمان میکنم آقایان و کلاء با بنده شرکت نمایند در اینکه اگر وزارت داخله بشما اطمینان می دهد که طوری کند که آن ضعیفه بیچاره که از صبح تا شام می رود بی نان و آن مردی که باید برود پی فمله کی عوض آن می رود تحصیل نان بکند طوری بکند که منظم شده بکلی امر نان اصلاح شود و می تواند مارا مطمئن کند قبا و الا عقیده بنده این است که یک هیئت پنج نفری از و کلاء برای این کار انتخاب نمایند و بنده یک نفر عقیده ام این است که مجلس صرف نظر کند از رای آنها که برود برای اصلاح این امر اقدامات کنند و اگر مال لازم است مال بفرستند گداری لازم است گداری بفرستند پول لازم است فراهم کنند و گندم از خارج وارد کنند و طوری کنند که رفاهیت حاصل بشود و چنانچه عرض کردم آقای معاون وزارت داخله هم اقدامات خودشانرا بفرمایند که ببینیم مجلس قانع میشود یا خیر

**دبیر الملک [معاون وزارت داخله] عرض می کنم**  
اولا علت کمی نان بواسطه همان جهت بود که حضرت والا فرمودند در سینه ماضیه خالصجات آنطوریکه باید عمل بشود نشود و بعد از آن اقداماتی را که میبایستی در تهیه گندم بکنند نکرده اند و در انبار آنطوریکه سابق گندم حاضر می کردند که قریب بیست هزار خروار بود حاضر نشده بود بواسطه اینکه جنس دیوانی را وزیر مالیه تسعیر کرده بود و تقریباً جنس انباری از روز اول دوهزار و سیصد الی سه هزار خروار بیشتر نبوده است و روز اولی که بنده اقدام کردم که روز دو شنبه بود دیدم فی الحقیقه نمیشود بانبار دولتی مطمئن شد این بود که اقدامات سخت شد و چنانچه پریروز عرض کردم در شبانه روزی افلاحت ساعت وقت بنده صرف تلگرافخانه است و در این باب با شرکت آقای وکیل الرعایا که از ایشان خواهش کردم که بیایند آنجا و همراهی کنند اگر بخواهم شرح اقدامات خود را عرض کنم این دوسیه است که همراه آورده ام و اگر اجازه فرمایید بفرماید که معلوم شود بشاهسون اینانالوچه تلگرافی شده است و شاهسون اصالتو چه نوشته شده است و همچنین برای تهیه شتر چه اقدامی شده ولی عرض می کنم و اطمینان و امید واری می دهم که اینکار انشاء الله بزودی انجام بگیرد یعنی بطور صحت می دانم که هر روز در راه پورت میرسد روزی نیست که چهارصد الی ششصد بار گندم حرکت نکنند چون یازده روز است که اقدام کرده ایم در سابق اینطور اقدامات نشده بود و گندمی حمل

نگرده بودند در این چند روزه که ما اقدام کردیم آنچه ممکن بود از اطراف شتر برای حمل گندم فرستادیم و آنچه هم در شهر پیدا میشد روزی بیست کاری سه رابه کرده ایم و بطرف عراق فرستاده ایم آن کارها که الان هشت روز است رفته اند پنجروز دیگر وارد میشوند و جنس هم که از ساوه حمل شده است پس فردا میرسد و جنس قزوین که جنس خود آقای سپه دار است حمل شده است و همین ایام وارد میشود و آنچه که شرکت خریداری کرده است تقریباً سه هزار خروار در قزوین و چهار هزار خروار در عراق و دوهزار خروار در همدان است که آنهم وارد میشود و آنچه جنس که تا بحال آقای وکیل الرعایا خریداری کرده اند از عراق و اطراف پنج هزار خروار و از همدان شش هزار خروار و از قزوین و سایر نقاط که در آنجا خروار فرار صورتیکه خود ایشان داده اند یازده هزار خروار می شود و اقدامات دیگری که در این باب شده است و لازم میدانم خاطر آقایان را مستحضر بدارم بجای محمد علی امینی قزوینی تلگراف شد که سه هزار خروار گندم بفرستند و از آن روز تا بحال هم روزی سیصد خروار حمل کرده است و شتر دیوانی را هم که فرستاده ایم سیصد خروار حمل کرده است باینقدر محض اطمینان مجلس مقدس عرض می کنم در آن اوقات یعنی در روز دوشنبه و سه شنبه و پنجشنبه عده ورود بارهای گندم خیلی کم بود و تقریباً به بیست و پنج وسی بار میرسد ولی از دیروز و امروز از قزوین و سایر نقاط که آورده اند سیصد بار وارد شده که غالب الاعی بوده است و چند کاری هم وارد شده است بملاوه الان بموجب خبری که بتوسط تلفون رسیده است چهار صد و هشتاد خروار از قبل از ظهر و دوست خروار بعد از ظهر وارد شده است و دو کاری هم آرد از قزوین وارد شده و تقریباً روزی سیصد خروار که برای خوراک تهران معین شده است بترتیب میرسد و چیزیکه بیشتر اسباب سختی نان شده است که در اطراف طهران هم از قبیل شمیران و حضرت عبدالعظیم گندم تمام شده است و از طهران می برند فردا هم امیدوارم انشاء الله ۶۰ خروار گندم وارد تهران بشود و از خریداری خودمان در قزوین و از سایرین که حمل کرده اند و کم کم می کنند همانطور میرسد و فقط کمی نان این چند روزه است که مردم را بهیچان آورده است و همانطوری که در سابق عرض کردم که تا پنج روز دیگر امروز عرض می کنم تا سه روز دیگر بکلی امر نان اصلاح خواهد شد و آنچه گندمی که از اطراف نزدیک شهر حمل شده است وارد می شود و شاهد بزرگ من هم شاید خود آقایان و کلاء باشند که تصدیق خواهند فرمود و استدعا دارم از آقای رئیس که مقرر فرمایند کمیسیون داخله فردا فوق العاده تشکیل شود که با اطلاع آن کمیسیون مذاکرات و اقدامات بنمایم و ایشان هم مطلع باشند و در موقع لزوم در مجلس اطلاعات خود را اظهار بدارند

**رئیس -** علاوه بر مسئله نان بطوری که خاطر آقایان مسبوق است چند نیست که بعضی انتشارات در این شهر داده اند که باعث نگرانی عامه شده است اولاً یکی مسئله نان است و ثانیاً مسئله عوارض است که شهرت داده اند در اطراف شهر و وضع میشود مسئله

نمک و ذغال باعث شده است که امروز تمام قلوب متزلزل شده است و حال اینکه هیچ یک از آن چیزها بیکه شهرت می دهند صورت وقوع ندارد مسئله نان همین طوری است که آقای معاون وزارت داخله فرمودند که از هر قسم اقداماتی که لازم بوده است کرده اند و آنی غافل نیستند مسائل دیگر هم همینطور است ولی جهت اسباب اغتشاش مردم شده است ولی مجلس شورای ملی يك تكلیفی دارد که آن تسکین اضطراب قلوب موکلین و اسکات مردم است باین جهت بنده اعتقاد اینست که يك کمیسیون فوق العاده تشکیل بدهیم که موافقت خواهد داشت با تقاضائیکه آقای معاون کرده اند که این کمیسیون از فردا مشغول باشند بر رسیدگی باین اموریکه باعث اضطراب و تزلزل قلوب عامه شده است مسائل دیگری هم هست راجع بمدایه که آنها هم اسباب نگرانی شده است و آقای وزیر عدلیه تقاضای کمیسیونی می کنند و عقیده بنده برای این کمیسیون ( ۱۲ ) نفر اعضاء کافی است و برای خود شعب معین نموده و بترتیب الا هم قالا هم شروع بر رسیدگی و اصلاح اینکارها بشمايد و اگر مجلس موافقت دارد شروع کنیم بانتخاب این کمیسیون ( گفتند صحیح است )

**کاشف -** با وجود اینکه وقت مجلس خیلی ضیق است و ما باید اعتراض کنیم از طول کلام لکن برای شکایاتی که از اطراف رسیده است و بعضی سوء تفاهمی در میان مردم است لازم است عرض کنم البته می دانید در میان مردم يك جمعی هستند که همیشه بی بهانه هستند که يك چیزی را دست آویز کنند و اذهان مردم را مشوب نمایند و بعضی فسادها می نمایند بر فرض وزیر داخله يك غفلتی کرده است از این که انبار دولتی محفوظ بماند این را مربوط بوزلاء می کنند و بعلاوه مربوط باختلاف بین و کلا می دانند بنده لازم است بجهة اطلاع مجلس اعلان نمایم که ابتدا اختلافی بین و لاعنیت و آن کسانی که این حرفها را می شنوند کول مقدسین را نخورند و بدانند که این اشخاص غیر از فساد مقصود دیگری ندارند و می خواهند بین و کلاء اختلاف بینمازند و بواسطه کمی نان و عوارض و مالیات اینطور اذهان را مشوب میکنند و می گویند که و لاء شما بفر شمایستند و مردم هم فوراً باور می کنند و حال اینکه این و کلاء که در اینجا آمدند ابتدا اختلافی بین آنها نیست و بقدری که آنها تصور می کنند صد برابر آن در فکر موکلین خودشان هستند و گویا در عقیده منهم مغالطی نباشد

( گفتند صحیح است )  
**ادیب التجار -** مسئله نان چنانچه ذکر شد از مهمترین کارهای امروزه مملکتی شده است و چنانچه فرمودند آقای معاون وزارت داخله کمال اقدامات را کرده اند چه از عراق و چه از قزوین و زنجان همه جور اقدامات شده و عنقریب از حسن اقدامات وزارت داخله و نيات مقدسه و کلاء عظام امرنان بکلی اصلاح خواهد شد ولی يك نکته خیلی مهمی که اهمیتش کمتر از نان نیست و امروز هم عرض کردم آن لار مقدسین است که آنها تا يك توه نبینند یعنی يك اعمال سیاسی نشود چنانچه تکرر تجربه شده است که حال امروز این مملکت اینست که هر وقت قدری از آنها ملاحظه شود همه جور

**نایب رئیس** - در کلیات این رایورت یکدفعه مذاکره میشود.

**آقای میرزا احمد** - گویا در اینجا اشتباه شده است برای اینکه برای رئیس دارالانشاء ۸۰ تومان و برای رئیس کابینه (۷۰) تومان در کمیسیون تصویب شده است.

**حاجی آقا** - پیشنهادی که از طرف اداره مباشرت شده بود این دو نفر را روی هم رفته یکصد و شصت تومان نوشته بودند در کمیسیون مذاکره شد که این دو باید از هم تفکیک بشود آنطوریکه نظر بنده میرسد آن دویزیکه میفرمایند در کمیسیون مذاکره شد ولی رای گرفته نشد در جلسه دیگر با حضور خودشان مجدداً مذاکره شده و رای گرفته و تصویب شد.

**نایب رئیس** - اول در کلیات این رایورت مذاکره آقایان ملتفت باشند که این مذاکرات راجع بمواد است خوبست اولاً در کلیات آن مباحثه شود بعد که داخل در شور مواد شدیم در هر ماده که چیزی بنظرشان میرسد اظهار نمایند.

**سلیمان میرزا** - بنده میخواستم عرض کنم آن فصلی که راجع بکلیه بودجه ها بشود که هر کس حقوقی داشته باشد جزء مواجب او محسوب شود در اینجا قبضه شده و این ماده شامل این نمیشود یا خیر.

**ارباب کیخسرو** - بلی همینطور است شامل میشود ولی به استثناء و کلاً.

**سلیمان میرزا** - اگر شامل میشود و کلاً را هم شامل میشود.

**ارباب کیخسرو** - چون در باب و کلاً قبل از این مذاکره شده و دو مرتبه آقای دکتر اسمعیل خان پیشنهادی داده بودند بجائی نرسید ولی در باب مستخدمین اگر حقوق دیوانی داشته باشند کسر خواهد شد.

**حاجی آقای شیرازی** - این بدیهی است که بودجه وقتی بکمیسیون میآید در خصوصیاتش مذاکره نمیشود این قرار است که در خارج باید گذارده شود که هر کس حقوق دیوانی دارد از حقوق اداری او کسر میشود یا خیر و در خصوص نمایندگان یک پیشنهادی شده است و هنوز از مجلس نگذشته است بعقیده بنده این مطلب خارج از موضوع است.

**نایب رئیس** - گویا این مسئله یک قدری خارج از موضوع است برای این که اینجا مذاکره می شود که پیش خدمت مواجبش چه قدر است و وکیل چه قدر باید مواجب داشته باشد یک پیش خدمتی که حقوق دیوانی نداشته باشد و در کلیه حقوق مستخدمین ادارات آقای دکتر اسمعیل خان پیشنهادی کردند اینکه از مجلس گذشت تکلیف کلیه معین می شود در هر حال تغییری در مواد این بودجه پیدا نخواهد شد منتهی چیزی که هست این است که اگر برای هر وکیل ده تومان حقوق معین کرده باشند باندازه حقوق دیوانی او از آن مقدار کسر خواهد شد.

**سلیمان میرزا** - بنده سئوالی که کردم بهیچوجه اسم نبردم که این وکیل سلیمان میرزا است و هفتصد تومان مواجب دارد که فردا اگر بنده استعفا کردم یا مردم موکلین من مجبور باشند نماینده دیگری را بجای من انتخاب نمایند که هفتصد تومان حقوق دیوانی داشته باشد بنده عرض کردم نماینده ای

بودند از هر باری یکتومان میگیرند معض تحقیق مأمور مفتش خصوصی که دیروز رفته است فرستاده ایم که تحقیق کرده در صورت صحت ببینند از کجا این دستور العمل داده شده و چه جهت این پول را گرفته اند و مرتب را گرفته بیاورند بنده هیچوقت تحقیقاً نگفتم که این پول را میگیرند (ورقه رای برای اعضاء کمیسیون فوق العاده توزیع و آقایان حاجی میرزا رضا خان و فهم الملك و تقی زاده برای استخراج آراء بقره معین شدند).

**رئیس** - تا آقایان استخراج آراء نمایند ده دقیقه تنفس است (مجدداً جلسه بریاست آقای ممتاز الدوله نایب رئیس تشکیل شد).

**نایب رئیس** - شور در بقیه رایورت کمیسیون استقرض داخلی میشود.

**ذکاء الملك** - نتیجه مذاکراتی که مادر این خصوص میکنیم چه چیز است اینها موادی نیست که ما در آن رای بدهیم برای اینکه این رایورت پس از تصویب باید برود بکمیسیون و مواد آن بطور مواد قانونی نوشته شده بیاید و باز در آن شور کنیم بهتر است که عجله این رجوع شود بکمیسیون و بعد از اینکه بشکل مواد قانونی نوشته شد بمجلس بیاید و مطرح مذاکره شود.

**نایب رئیس** - این تقاضای آقای ذکاء الملك را تصویب میکنید؟ (اکثر گفتند صحیح است).

**نایب رئیس** - پس نتیجه این میشود که این رایورت برود بکمیسیون بصورت مواد قانونی نوشته شده تا بنابر اجماع نماید (گفته شد کدام کمیسیون).

**نایب رئیس** - همان کمیسیون استقرض - رایورت کمیسیون فواید عامه در خصوص امتیاز کارخانه صابون سازی قرائت میشود.

**حاجی آقا** - آن روز قرار شد با حضور وزیر فواید عامه در این خصوص مذاکره شود وزیر که تشریف ندارند.

**ناصر الاسلام** - عرض بنده هم همین بود که وزیر فواید عامه هم خوبست حاضر باشد که در مواردی که ایرادات میشود باره توضیحاتی که دارند اظهار نمایند **میرزا ابراهیم خان** - بنده می خواستم عرض کنم تمام این اصلاحات که در کمیسیون شده است با حضور وزیر فواید عامه بوده است.

**نایب رئیس** - باز وجود ایشان لازمست بجهة اینکه شاید خواسته باشند در بعضی موارد مدافعه نمایند پس میماند برای جلسه آتی که با حضور وزیر فواید عامه مذاکره شود.

**حاج شیخعلی** - بنده تقاضا میکنم رایورت شعبه چهارم خوانده شود.

**نایب رئیس** - طبع و توزیع نشده است.

**حاج شیخعلی** - در نظامنامه داخلی همچو چیزی نیست که رایورت شعب باید طبع و توزیع شود **نایب رئیس** - این مسئله اعتبارنامه است باید طبع و توزیع شود که آقایان و کلاً مسبق باشند بدون طبع و توزیع نمیشود در آن مذاکره کرد. (رایورت کمیسیون محاسبات راجع بیودجه مجلس قرائت شد).

شبهات را با ذمهان مردم می اندازند و در دکانهای نانوائی بانواع دسائس و بعضی حرفهائیکه موجب هيجان میشود قلوب مردم عوام را متزلزل میکنند خوبست آنطوریکه فرمودند که يك هيئت مفتش از نظمیست نگران مذاکرات این مفسدین باشد که در گوشه و کنار مخصوصاً در دکانهای نانوائی که همه جور شبهات را میکنند دیگر اینکه با این زحماتی که از برای آوردن گندم کشیده شده که اسباب آسودگی دارالخلافه باشد طوری میشود که این گندم کم میشود مثلاً بیست بارسه بار بآسیاب میبرند هشت بار یا هفت بار بر میگردد بکجا میرود نمیدانم همینطور گندمی که از خارج بطهران میآید در بین راه کم میشود این از لجاست و مراقب این کار کیست نمیدانم.

**معاون وزارت داخله** - آقای ادیب التجار چیزی فرمودند که مثلاً گندم زیاد میرود و کم بر میگردد این بهیچوجه ممکن نیست برای اینکه عده بارهائیکه از این شهر خارج میشود صورت دارد وعده هم که وارد میشود صورت دارد میتوانیم بگوئیم يك عیب هست و آن عیب از خود ناواه است که از قدیم الایام عادت بعضی کارهای غیر صحیح داشته اند ولی امیدواریم که رفع این نواقص هم بشود برای اینکه حالا مفتش در تمام دکانها گذاشته شده است که هر کدام برخلاف ترتیب رفتاری بکنند مجازات برسند.

**رئیس** - خوب در خصوص عده کمیسیون (۱۲) نفر با اعتقاد بنده کافی است بعد خود کمیسیون وقتی که دید کم است از مجلس تقاضا میکنند افزوده میشود (جمعی گفتند کافی است).

**کاشف** - بعقیده بنده (۱۲) نفر کم است و (۱۸) نفر انتخاب شود.

**حاجی فایز الملك** - بغیر از کمیسیون عدلیه (۱۲) نفر کافی است.

**رئیس** - معلوم میشود مخالف هست پس رای میگیریم هر کس (۱۲) نفر را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد).

**رئیس** - شروع میشود بانتخاب ولی خواهش میکنم از هیئت رئیسه انتخاب نکنند برای اینکه وقت ندارند و کارشان زیاد است.

**ارباب کیخسرو** - در باب این رای عرض داشتم - میخواستم عرض کنم اشخاصیکه در دو کمیسیون عضویت دارند بشود آنها را انتخاب کرد یا خیر.

**رئیس** - این کمیسیون فوق العاده است میشود انتخاب کرد.

**اسدالله میرزا** - بریروز معاون وزارت داخله فرمودند که در سر معدن از ذغال باری پنجقران میگرفتند و این مسئله بنظر بنده خیلی عجیب است یعنی بالاتر از این گمان نمیکنم چیزی باشد که در مملکت قانونی و مملکتی که دارای پارلمان است بشود بدون تصویب مجلس از مردم پول بگیرند آنروز فرمودند قدغن کردیم نگیرند بنده سئوال میکنم اولاً باید دانست کسانی که میگرفتند کجها هستند و از طرف وزارت داخله اقدامی در این باب شده است یا خیر؟

**معاون وزارت داخله** - در این باب بنده نگفتم که حقیقه میگرفتند عرض کردم از ذغال فروشهائیکه ذغال میآوردند از علت کمی و گرانی سئوال کردند بعضی گفته بودند از هر باری پنجهزار و بعضی گفته

که صد تومان یا پیشخدمتی که دوازده تومان حقوق میگیرد در وقت پرداخت از مواجب اداری او کسر می شود یا خیر از باب اظهار کردند که این قانون در حق ضمهائی که از ما کمتر مواجب می گیرند مجری است و در حق ما ها که بیشتر از آنها حقوق می گیریم مجری نیست بنده عرض میکنم چگونه می شود که ما این قانون را در موضوع مستخدمین جزء مجری بداریم و در موضوع خودمان مجری نباشد اگر باید در موضوع آنها مجری باشد باید اول در باره خودمان مجری بداریم.

**نایب رئیس** - این مطلب اساسی است و خیلی صحیح است ولی ربطی باین موضوع ندارد اگر حضرت والا می فرمائید که این قانون در حق و کلاه باید اجرا شود این باید بموجب یک طرح قانونی باشد و اگر می فرمائید که در باره مستخدمین هم مجری شود باز آنهم باید بموجب یک طرح قانونی باشد حالا این بودجه است که بمجلس آمده است و هر چه تصویب شد از مجلس میگذرد حالا در این باب حضرت والا اگر عقیده تان اینست که این قانون باید در حق و کلاه و کلیه مستخدمین مجری شود پس یک ماده نوشته بمجلس پیشنهاد کنید که یک روزی اینجا بنشینیم و شور (۱) و (۲) و (۳) در آن بنمائیم که از مجلس گذشته یک ماده قانونی شود.

**میرزا داود خان** - بنده میخواستم عرض کنم در این باب آقای دکتر اسمعیل خان در چهار ماه قبل پیشنهادی کردند به همین قسم مانده است فرض بفرمائید که آن طرح هم شش ماه دیگر بماند در این صورت فایده نخواهد کرد.

**میرزا اسدالله خان** - بنده هم گمان میکنم که این مطلب موضوعش اینجا نباشد برای اینکه این بودجه است در بودجه اسامی اشخاص را نمی نویسند که فلان شخص چقدر حقوق دیوانی دارد و باید کسر شود یا اینکه کسر نشود این از وظایف وزارت مالیه است که باید مواظبت نماید اشخاصی که در ادارات خدمت می نمایند برای آن مدتی که مواجب می گیرند حقوق دیوانی آنها را کسر نمایند و این هم باید بموجب یک ماده قانونی باشد و در بودجه نباید اسمی از اشخاص و حقوق آنها برده شود برای اینکه این حقوق خدمت است که باو میدهند بجهت آنکه مستخدمی که حقوق دیوانی داشته است برود و دیگری بجای او بیاید که مواجب نداشته باشد.

**نایب رئیس** - در کلیه این بودجه اگر حرفی دارید بفرمائید و آن قانون را باید زودتر کمیسیون قوانین مالیه بمجلس بفرستند در آن باب مذاکره شود و از مجلس بگذرد.

**میرزا داود خان** - در بودجه موقعی که قبل از این بمجلس آمد عرض کردم و باز هم عرض میکنم علت اینکه حقوق مستخدمین مجلس باید از سایر ادارات کمتر باشد چیست این را توضیح بدهید بداریم.

**نایب رئیس** - این راجع بمواد است حالا مباحثه در کلیات میشود وقتی داخل در شور مواد شدیم راجع به ماده که ایراد دارید اظهار نمائید

**میرزا اسمعیل نویری** - این کلیات ندارد و مباحثه در کلیات این بودجه اینست که مثلاً بگوئیم چرا حقوق مستخدمین مجلس از سایر ادارات کمتر است و رأی که گرفته میشود بتمام بودجه است نه بماده و بنده میخواستم همین فرمایش را که آقای میرزا داود خان کردند عرض نمایم.

**حاجی آقا** - بنده خیلی تعجب دارم در یک چیزیکه در کلیاتش مذاکره نیست باید مذاکره در مواد را در موقع شور در کلیات مطرح کرد و قتیکه در کلیات مخالفی نیست رأی گرفته داخل شور مواد شوید آنوقت راجع به ماده که نظریاتی هست اظهار بدارید.

**کاشف** - اگر بنا بشود که اینها تمام مذاکره در مواد باشد و راجع بکلیات نباشد پس ما در چه مذاکره نمائیم همینکه حقوق مستخدمین مجلس چرا باید از ادارات کمتر باشد راجع بکلیات است.

**حاجی آقا** - مذاکره در کلیات يك لایحه اینست که در اساسیات او باید صحبت کرد کلیات یک بودجه که بمجلس می آید نه اینست که بگوئیم فلان ماده زیاد است یا اینکه حقوق رئیس دارالانشاء کم است و باید حقوق مستخدمین مجلس با سایرین مساوی باشد بواسطه اینکه شبهه نیست که یکی از مواد این بودجه حقوق اعضاء دارالانشاء است و یکماده هم حقوق نمایندگان است و اگر از آقای کاشف بپرسند جزئیات این بودجه کدام است همین هارا خواهند شمرد پس در صورتیکه در کلیات این مذاکره نیست رأی بگیرید داخل در شور مواد شوید دیگر لازم نیست شور در جزئیات را در موقع شور در کلیات مطرح نمائید.

**کاشف** - بنده کلیات این بودجه را بر سه قسم می بینم یکی حقوق نمایندگان است که در آن هیچ مذاکره نخواهیم کرد و یکی حقوق مستخدمین است و یکی هم لوازمات است که مذاکره ندارد پس مباحثه که در کلیات بشود راجع بحقوق مستخدمین جزء است سایر مواد که مباحثه ندارد.

**نایب رئیس** - معلوم میشود که در کلیات این بودجه مخالفی نیست رأی میگیریم برای اینکه داخل شور مواد شویم کسانی که تصویب می کنند قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد)

**میرزا الملک** - نتیجه استخراج آراء برای انتخاب کمیسیون فوق العاده.

اسدالله میرزا (۴۹) رأی آقا میرزا اسمعیل نویری (۴۰) رأی - آقا شیخ ابراهیم زنجانی (۴۰) رأی - معاضد السلطنه (۳۶) رأی - آقا شیخ اسمعیل هشرودی (۳۵) رأی - ذکاء الملک (۳۲) رأی تقی زاده (۳۲) رأی - سلیمان میرزا (۲۵) رأی مؤتمن الملک (۲۳) رأی - نواب (۲۳) رأی - میرزا اسدالله خان (۲۰) رأی کاشف و منتصر السلطان هریک (۱۸) رأی باید قرعه کشیده شود.

**کاشف** - بنده استعفا میدهم لازم نیست قرعه کشیده شود.

**حاجی آقا** - اول باید قرعه کشیده شود اگر شما معین شدید استعفا بدهید.

(قرعه کشیده شد و آقای کاشف معین شد)

**تقی زاده** - بنده در اول انتخابات نبودم که استعفا نمایم و اسم بنده را ننویسند وقتی آمدم که اوراق جمع شده بود چون کار زیاد دارم و وقت کم است برای من میسر نمیشود که در این کمیسیون حاضر شوم لهذا استعفا دارم استعفای بنده را قبول فرمائید.

**ادیب التجار** - بنده اولاً استعفا می کنم که استعفای آقایان قبول نشود و ثانیاً از مجلس سؤال می کنم وظیفه رفتار و پروگرام این (۱۲) نفر از روی چه خواهد بود.

**وزیر زاده** - بنده هم استعفا می کنم که استعفای آقایان قبول نشود و اینکه در خصوص پروگرام این (۱۲) نفر سؤال شد پروگرام آنها را آقای رئیس بطریق اجمال فرمودند دیگر گمان نمیکند شرحش لازم باشد.

**ادیب التجار** - بنده سئوالی در باب پروگرام کردم جواب می خواهم.

**نایب رئیس** - مگر شما تشریف نداشتید این صحبت هائی که شده است پروگرام آنهاست دیگر لازم بشرح نیست.

(جمعی اظهار داشتند آقای تقی زاده استعفای خود را پس بگیرند)

**نایب رئیس** - آقای تقی زاده استعفای خود را پس بگیرند.

**تقی زاده** - خیر بنده نمیتوانم در این کمیسیون عضویت داشته باشم.

**نایب رئیس** - خوب قبول نمیکند باید عرض ایشان انتخاب شود.

(ورقه توزیع شد.)

**کاشف** - بنده هم چنانچه عرض کردم از عهده بر نمی آیم استعفا دارم استعفای بنده را بپذیرید و دو نفر انتخاب کنید.

**مؤتمن الملک** - بنده راهم استعفا میکنم معاف بدارید.

**نواب** - بنده هم چون در سه کمیسیون تقریباً عضویت دارم از این کمیسیون استعفاء میدهم.

**وزیر زاده** - بنده خیلی متأسفم در این موقع که باید مباحثات حدیث حاضر خدمات ملیه بشویم فرداً فرد استعفا میدهم و بنده بکلی ضدیت دارم و عقیده ام اینست که مجلس استعفای آقایان را قبول نکند.

**آقای شیخ اسمعیل هشرودی** - این آقایان برای خدمت آمده اند یا برای استعفا من نمی دانم برای چه استعفا می دهند.

**حاجی آقا** - بنده بکلی برخلاف رأی آنها می هستم که می فرمایند استعفا را نباید قبول کرد برای اینکه وکلا خودشان يك وجدانی دارند و وظیفه خودشان را میدانند که باید در خدمات ملی وقت خود را صرف نمایند و وقتی که استعفا میدهند استعفای ایشان کاشف از يك عذری است که مانع این خدمت است و وقتی که ما سخت بگیریم عنواناً استعفا نمی دهند ولی عملاً استعفا می دهند باین معنی که تشریف نمی آورند و این عده (۱۲)

نفر حداقلی است که برای این کمیسیون تصویب شده است اگر بنا شود شش نفر هم از بین این عده حاضر نشوند این کمیسیون فایده نخواهد داشت پس عقیده بنده اینست که هر يك از آقایان استعفا میدهند قبول بفرمایند و عوض آنها را انتخاب نمایند و اگر استعفای آنها را قبول نکنید همان قسمی که عرض کردم خواهد شد.

**فهم المملك** - بنده بكلی برخلاف قبول كردن استعفا هستم و عرض می كنم آقایان تا مدتی كه اینجا تشریف دارند باید مشغول خدمت باشند و هر خدتی كه بآنها رجوع میشود انجام میدهند بنده نمیدانم برای چه استعفا میدهند اگر خیال خدمت كردن ندارند كه بفرمایند والا باید قبول كنند و مجلس هم نباید استعفای آنها را قبول كند.

**ناصر الاسلام** - این آقایان كه استعفا میدهند همانها هستند كه در مجلس بودند و تصویب كردند كه عده (۱۲) نفر باشد و کمیسیون هم زودتر تشكيل شود و حالا نمیدانم چه شده است كه هر کدام استعفا میدهند این کمیسیون باندازه مهم است كه از هر کمیسیونی فعلا اهمیتش بیشتر است آقایان برای اینکه در کمیسیونهای دیگر عضویت دارند از عضویت این کمیسیون استعفا میدهند بنده عرض میکنم فرضاً رفتید و در يك کمیسیون نشستید و مذاکره کردید و مثلاً امتیاز نامه کارخانه صابون سازی را تصویب نمودید این چه حاصلی خواهد داشت باید کارها هر کدام كه مهم است بر سایرین مقدم بداریم و امروز میدانیم كه امرنان و غیره از سایر کارها باندازه اهمیتش بیشتر است و اصلاحش فوری است دیگر نمیدانم آقایان برای چه استعفا میدهند.

**كاشف** - بنده لازم شد در مقابل اظهارات آقای وزیرزاده و سایر آقایان علت استعفای خود را عرض كنم چون بنده مدتی است در صدد گرفتن اجازه مسافرتی هستم و كسانيكه در این کمیسیون هستند باید حواسشان جمع باشد و چنانچه این عضویت را قبول می كردم و بعد اجازه می گرفتم اسباب تمویق كار کمیسیون میشد از این جهت استعفا دادم.

**نایب رئیس** - حضرتعالی فعلاً قبول بفرمایید وقتی كه مجلس بشما اجازه مسافرت داد استعفای خودتان را تقدیم نمائید آن وقت يك نفر انتخاب می شود.

**تقی زاده** - برای اینکه از استعفا ملأا کرده شد بنده هم لازم می دانم در این خصوص عرض کرده باشم در ابتدای دوره اجلاس و سر آمدن دوره کمیسیونها بنده عرض كردم بنده را در دو کمیسیون انتخاب نمایند پذیرفته نشد با وجود اینکه هر كس آزاد است كه هر كه را دلش میخواهد انتخاب نماید در صورتيكه آن وقت علت استعفای بنده عذر مزاجی نبوده و فعلاً كه مشغول معالجه هستم و عذر مزاجی دارم استعفای بنده را قبول نمی كنند در صورتيكه در دو کمیسیون هم فعلاً مشغول هستم و اینجا هم نبودم قبل از وقت عرض كنم بنده را انتخاب نکنند حالا اگر مجلس استعفای مرا قبول نمی نماید باید بیشتر از این كار بكنم خوب

است عوض بنده را در يکي از این کمیسیونهای دائمی كه بنده عضویت دارم و كارشان بیشتر است انتخاب نمایند.

**وكيل التجار** - بنده خواستم عرض كنم مسئله قبول استعفا و عدم قبول همیشه مدتی وقت مجلس را تضییع می كند بنده نمی دانم علت اینکه نباید استعفا را قبول كرد چیست البته تا عذر موجهی نداشته باشند اظهار استعفا نميكنند و وقتی كه اظهار میکنند معلوم می شود عذری دارند و عقیده بنده این است كه در این باب يك ماده پیشنهاد شود كه تكلیف این استعفاها را معین نماید و همیشه آنقدر وقت مجلس را تلف نکنند.

**نواب** - علت استعفای بنده اینست كه در سه کمیسیون عضویت دارم و بیشتر از این هم وقت ندارم ولی اگر سایرین استعفای خود را مسترد دارند و برای بنده هم وقتی ایجاد شود استعفای خود را مسترد میدارم.

**ارباب كیخسرو** - آن روزيكه آقای تقی زاده را برای کمیسیون مالیه انتخاب كردیم خودشان گفتند بنده را برای کمیسیون فوق العاده داشته باشید كه انتخاب نمایند ولی چنانچه حالا مشغول معالجه هستند نمی شود استعفایشان را قبول نكرد.

**نایب رئیس** - خوب فعلاً دو نفر انتخاب می شود يکي بجای آقای تقی زاده و يکي بجای آقای مؤمن المملك.

[ورقه توزیع و آقایان صدر العلماء حاجی آقا آقا شیخ محمد خیابانی بقرعه معین شدند و اوراق را باطاق دیگر بردند كه استعراج نمایند.]

**نایب رئیس** - بریر روز گفته شد دو کمیسیونی كه برای مسئولیت وزیر در بار تقاضای آقای مؤمن المملك تشكيل شد آقایانيكه عضویت آن دو کمیسیون را دارا هستند حاضر نشده هیئت رئیس خود را معین نمایند معلوم می شود هنوز هیئت رئیس خود را معین نكرده اند خواهش می شود كه بعد از مجلس این دو کمیسیون را منعقد نموده هیئت رئیس خود را معین نمایند و مشغول كار شوند فردا سه ساعت بفروب جلسه خصوصی خواهد شد دستور جلسه آنیه را بورت کمیسیون قوانین مالیه راجع بقانون محاسبات عمومی بودجه مجلس بقیه شور در كلیات امتیاز نامه كارخانه صابون سازی.

**نواب** - گویا از طرف هیئت وزراء اظهاری شده است برای مستشارهای خارجه مدتی بود تصویب می كردند كه آن از طرف هیئت رئیس به مجلس خواهد آمد و هنوز بامده است باینجه عرض می كنم چون این مطلب بنظر بنده خیلی اهمیت دارد هر قدر زودتر اقدام شود بهتر است.

**نایب رئیس** - قرار بود این لایحه را وزیر مالیه به مجلس بیاورند و چند روز پیش كه بنده ایشان را ملاقات كردم گفتند خواهم آورد و هنوز نیاورده است.

**سليمان ميرزا** - بنده تصور می كردم هر قدر از قوانین عدلیه زودتر بگذرد بهتر است و امروز قانون ثبت اسناد كه از کمیسیون عدلیه مدتی است راپورت داده شده اگر بگذرد نصف كارهای عدلیه آسان خواهد شد باین جهت تقاضای كنم كه جزء دستور منظور شود.

**نایب رئیس** - در این باب هنوز از کمیسیون راپورت داده نشده.

**آقای میرزا اسمعیل نویری** - بنده می خواستم عرض كنم کمیسیون (۱۲) نفری كه امروز انتخاب شد خیلی اهمیت دارد و اشخاصی كه در سایر کمیسیونها عضویت دارند و در این کمیسیون هم انتخاب شده اند و نمی توانند بجهة کمیسیون در آنجا حاضر شوند در آن موقع از آن کمیسیونها معاف می باشند بجهة اینکه این کمیسیون مقدم بر همه است و بنده باین کمیسیون خیلی اهمیت می دهم و دیگر فردا چهار ساعت بفروب مانده حاضر شوند برای تعیین هیئت رئیس.

(گفتند شما خوب است ظهر حاضر شده هیئت رئیس کمیسیون را انتخاب نمائیم)

**نایب رئیس** - اگر بتوانید خیلی خوب است و الا عصر هم ممكن است كه قبل از مجلس خصوصی حاضر شوند.

[مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد]

### جلسه ۹۳

### صورت مشروح روز سه شنبه هفتم شهر

### جمادی الاولی ۱۳۲۸

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای مستشارالدوله تشكيل شد صورت جلسه روز شنبه (۴) را آقای معاضد المملك قرائت كرد.

**رئیس** - راجع بصورت مجلس ملاحظه هست؟

**دكتور علیخان** - بنده میخواستم عرض كنم در صورتی كه ساعت انعقاد در صورت مجلس معین شده این تأخیر از كیست علت آن از هیئت رئیس است یا از غیایشان و تا بحال چندین مرتبه در این خصوص مذاکره شده و نتیجه نبخشیده است.

**رئیس** - از ساعت چهار بفروب مانده هیئت رئیس همیشه حاضر است و متصل شوال میشود كه عده كافی است یا خیر میگویند از برای مذاکره هم كافی نیست و علاوه بر این كه مجلس خیلی از اوقاتش تلف می شود در غالب کمیسیونها هم بواسطه غیبت اعضاء و حاضر نشدن در سر وقت آنطوری كه باید در کمیسیونها كار بگذرد نمیگذرد مخصوصاً امروز رئیس کمیسیون بودجه (۱۸) نفر شده است هیچوقت عده برای اینکه اخذ رأی شود كافی نشده و صورت حاضر و غایب را هم بآدره مباشرت دادند گمان میکنم كه آقایان باید يك قدری ملتفت باشند مآكه اینجا آمده ایم جز كار كردن وظیفه دیگری نداریم و باید آقایان بدانند كه در سر وقت باید حاضر شوند.

**حاجی آقا** - بنده عرض میکنم اگر مجلس روزنامه رسمی میباشد تمام این نواقص رفع میشد بجهت اینکه تمام اینها برای این است كه صورت حاضر و غائب در يك روزنامه درج نمیشود.

**رئیس** - علاوه بر اینکه وقت ما كم است به شكایت اینکه چرا دیر میآیند و سر وقت حاضر نمی شوند خوب است آقایان محترم وقت مجلس را تلف نمایند، [تلكرافی از اردوی اردبیل بامضای مسیو پفرم خان و سردار بهادر قرائت شد.]

**رئیس** - این دفعه اول است كه بهمدالله در ایران دیده میشود كه يك اردوی نظامی بعد از چندین